

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

۲۹

دوشنبه ۲۱ آبانماه ۱۳۵۸ بهاء : ۲۰ ریال

پیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

- ولایت فقیه "گشادترین کلاهی که بسر مردم ایران می رود! (۵) در صفحه ۱۲
- نگاهی بر مواد قانون اساسی (۵) در صفحه ۷
- اخباری از جنبش دانش آموزی در صفحه ۱۷
- مصاحبه با یک صیاد مبارز - بندرانزلی - در صفحه ۸



گرامی باد شصت و دومین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر

۷ نوامبر (۱۶/۸/۵۸) معادف بود ما شصت و دومین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر انقلابی که حقانیت تاریخی پرولتاریا را در بدست گرفتن سرنوشته خویش و تمامی زحمت - کشان به ثبوت رسانده و فعل نویسنی از مبارزه پرولتاریای جهانی را بر علیه بورژوازی گشوده است .

بقیه در صفحه ۲

بیانیه سازمان درباره تغییر و تحولات اخیر :

مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران

● تردیدی نیست که شاه خاشن را باید بازگرداند و حکم اعدام او را در دادگاه خلق صدها بار صادر نمود و اجرا کرد . اما این فقط جزئی ناچیز از خواستههای صدامپریالیستی توده های مردم است .

● کمونیستها باید با شرکت فعال در مبارزات صدامپریالیستی توده ها که هم اکنون در کوجه ها و خیابانها جاری است و هر روز اوج بیشتری میگیرد و با بردن شعارهای واقعی صدامپریالیستی بمیان آنان ، نشان دهند که پیگیرترین نیروی صدامپریالیستی هستند .

در صفحه ۲

مدنی کیست ؟

چرا او را کاندید ریاست جمهوری کرده اند ؟

مدنی : هرکس که زیرسند خودمختاری را امضاء کند ، به مردم ایران خیانت کرده است .

در صفحه ۵

جنبش کارگری

- اعتصاب در کارخانه ارج
- مبارزه پیروزمند کارگران بیکار قزوین
- مبارزات کارگران پیمانی صنعت نفت
- گزارشی از مبارزات کارگران کشت و صنعت مغان
- اعتصاب کارگران پیمانی - آبادان -

در صفحه ۲۰

اخباری از : کردستان قهرمان

در صفحه ۱۸

شیوه برخورد

پرولتری یا

خرده بورژوازی ؟

- ۲ -

چریکهای فدایی خلق

و احزاب بورژوازی

نظا هر نا پایداری ایدئولوژیک خرده بورژوازی

در صفحه ۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بیانیه سازمان درباره تغییر و تحولات اخیر:

مرگ بر امپریالیسم آمریکا
دشمن اصلی خلقهای ایران

امواج توفنده مبارزات ضد امپریالیستی توده‌های تحت ستم، سفیدترک - خورده، سیستم حاکم را به لرزه درآورده است.

از هرسو صدای "مرگ بر امپریالیسم آمریکا" به گوش میرسد. پنهان دادن شاه‌جنایتکار توسط دولت امپریالیستی آمریکا، پیش از پیش خشم انقلابی و غلبان یافته، توده‌ها را دام زده است و آنها یکمدا استرداد، محاکمه و اعدام این مزدور آمریکائی را به مثابه، بخش کوچکی از خواسته‌های بحق و انقلابی خود خواستارند.

آنها بر استی کینه، طبقاتی عمیق خویش را نسبت به امپریالیسم آمریکا و مزدورانش که طی سالها حاکمیت ضد خلقی سرمایه‌داری وابسته، توده‌ها را بشدید - ترین وجهی غارت و سرکوب می‌کردند، در فریادهای خود زنده می‌یازند. آنها بدرستی دریافته‌اند که هدف اصلی انقلاب که در جریان قیام بوسیله، خیانتکاران و سازش‌طلبان به انحراف کشته شده، همچنان امپریالیسم آمریکا و سیستم عمیقاً وابسته، سرمایه‌داری ایران است. این موج توفنده، جنبش توده‌ای هم‌اکنون لرزه براندام امپریالیسم آمریکا انداخته و پیش از پیش او را در محاق بحران سیاسی فرو برده است. اما شگفت آنکه می‌بینیم بخشی از هیئت حاکمه پس از زمینه‌چینی یک تهاجم گسترده برای بدست گرفتن قدرت و قربانی کردن بخش دیگری از هیئت حاکمه اکنون می‌کوشد تا در انطباق با شرایط جدید و دست زدن به برخی حرکات ضد آمریکائی و پیش از آن با هیاهو و جار و جنجال بسیار خوبش را به پیشرو این مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ای که تاکنون در برابر آن ایستاده بود، جلوه دهد.

چگونه است که کسانی چون بهشتی که تا دیروز به همراه لیبرالهایی چون بازرگان، خاگشانه برای به سازش کشاندن انقلاب به پای میز مذاکره با ژنرال هویزر جلاد می‌رفتند، اکنون "صدا میریالیست" شده‌اند.

چگونه است که تا دیروز پشتیبان سرخست دولت بازرگان بوده و فرمان لشکرکشی ضد انقلابی ارتش دست پرورده، آمریکا را به گردن ما در نموده، اکنون دولت بازرگان را به جرم مذاکره با برزیل سکی این مغز متفکر توطئه‌های امپریالیسم آمریکا - مورد لعن و نفرین قرار می‌دهد، چگونه است "شورای انقلاب" که تا دیروز تمام سیاست‌های دولت را تصویب می‌نمود و تمام اقدامات ضد انقلابی کوچک و بزرگ او را در جهت با زسازی سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم و تاملین محدود سلطه، آمریکا و سرکوب خلقها مورد تأیید قرار می‌داد اکنون چهره "صدا میریالیستی" و "صدا زشکاری" به خود گرفته است؟ و دست به برخی اقدامات "صدا میریالیستی" می‌زند.

واقعیت چیست؟ حرکات و سیاست‌های جدید جناح انحمارطلب و قشوری هیئت حاکمه را که می‌کوشد تمامی قدرت حاکم را از آن خود نماید، چگونه می‌توان تحلیل کرد؟

کلید اصلی درک حرکات، سیاست‌ها و تحولات جدیدی که در صحنه سیاسی ایران رخ داده است را باید در موقعیت جنبش توده‌ای، بحران اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جامعه و موقعیت رژیم حاکم جستجو نمود.

بدون چنین درکی، نمی‌توان این حرکات و سیاست‌ها و تحولات را مورد ارزیابی قرار داد.

* * *

قیام شکوهمند بهمن ماه با عظیم ضد امپریالیستی مبارزات خلق ما را به روشنی آشکار نمود. پیام عمیقاً انقلابی این قیام عبارت بود از: نابودی کامل سلطه، امپریالیسم در ایران، نابودی تمامی سیستم سرمایه‌داری وابسته و نهادها و ارگانهای وابسته به آن و ایجاد یک سیستم مردمی و خلقی که با سخگوی نخبه در صحنه، بعد

نخبه از صفحه ۱ گرامی باد ...

از آن زمان تا کنون هر چند کسبه امپریالیسم جهانی و تمامی نوکران آن و تمامی مرتجعین از جمله در ایران تلاش کرده‌اند این انقلاب را تخطئه کنند، اما هر زمان که عظمت انقلاب سوسیالیستی و پرولتاریائی آن در محو نظام استعماری در پیش چشمشان نمایان شده است، بر خود لرزیده‌اند.

از آن زمان تا کنون هر چند کسبه اپورتونیست‌ها، و روبریونیست‌ها و مالاخره سوسیال امپریالیست‌ها، که به لسان مارکسیسم - لنینیسم در آمده‌اند، تمامی تلاش خود را برای تزیین ساختن دستاوردهای انقلاب سوسیالیستی پرولتاریائی روس از مقصود واقعی خویش بکار برده‌اند، اما نتوانسته‌اند حتی ذره‌ای از عظمت این انقلاب و حقانیت تاریخی آن کم کنند.

ما مالگرد این انقلاب کبیر را به تمامی زحمتکشان ایران بخصوص کارگران شریک می‌گوئیم و سهمین مناسب ترجمه مقاله ای از لنین را در بررسی انقلاب سوسیالیستی اکتبر، به پیشگاه زحمتکشان تقدیم می‌داریم:

چهارمین جشن
سالگرد انقلاب اکتبر

(مقاله ای از لنین)

چهارمین سالگرد ۲۵ اکتبر. (۷ نوامبر) فرا می‌رسد.

هر قدر بیشتر که آن روز بزرگ از ما فاصله می‌گیرد، بهمان نسبت ما آشکارا اهمیت انقلاب پرولتاری را در روسیه مشاهده می‌کنیم و بهمان نسبت در باره تجربیه عملی کارمان بعنوان یک کل عمیقتر می‌اندیشیم.

خطر خیلی غلامه، و البته در طرحی بسیار ناقص و اجمالی، این اهمیت و تجربه می‌تواند به قرار ذیل جمع بندی شود. هدف بلاواسطه و فوری انقلاب در روسیه انقلاب بورژوا - دمکراتیک بود، یعنی نابودی بقایای قرون وسطائی و روسپیدن کامل آنها، پاکسازی روسیه از این بربریت از این سنگ و برطرف کردن این مانع عظیم از تمامی فرهنگ و پیشرفت در کشور ما. و ما می‌توانیم بطرز موجهی از انجام این پاکسازی که با اراده‌ای عظیمترو سرعت، شجاعت و موفقیت فوق العاده زیادتر و از نقطه نظر تاثیر آن بر توده‌ها، بسیار وسیعتر و عمیقتر از انقلاب کبیر فرانسه در بیش از یکصد و بیست و پنج سال پیش بود، بخود بمالیم.

هم آنارشیست‌ها و هم دمکراتهای خرده - بورژوا (یعنی منتوبیکها، و سوسیال رولوب - سبونرها که المثنی‌های روسی نوع سوسیال انترناسیونال هستند) در باره رابطه بین انقلاب بورژوا - دمکراتیک و سوسیالیستی نخبه در صحنه، بعد

سقیه از صفحه قبل

(یعنی ، انقلاب پرولتری) مهملات بسیار باور نکردنی گفته و هنوز هم میگویند . این چهار سال آخر کار کلاً ناسنت کرد که تمسیر ما از مارکسیسم در باره این موضوع وارز- باسی ما از تجربه انقلابهای پیشین صحیح بودند . ما انقلاب بورژوا - دمکراتیک را چنان انجام دادیم که قبلاً هیچکس چنین انجام نداده بود . ما که میدانیم انقلاب سوسیالیستی را دیوار چین از انقلاب بورژوا - دمکراتیک جدا نمی کند و نیز میدانیم که (در تحلیل نهائی) فقط مبارزه تمسیر خواهد کرد که تا کجا پیش خواهیم رفت ، چقدر از این وظیفه سترگ و متعالی را به انجام خواهیم رساند و تا چه حد در تحکیم پیروزیها بمان موفق خواهیم شد . در حال پیشروی آگاهانه ، استوار و بدون انحراف سوسیالیستی سوسیالیستی هستیم . زمان نشان خواهد داد . اما از هم اکنون مشاهده می کنیم که کار عظیمی - عظیم بخاطر پروانی فرسودگی و عقب ماندگی کشور - در جهت گذار سوسیالیستی جامعه انجام یافته است .

با اینهمه اجازه بدهید آنچه را که باید در باره محتوای بورژوا - دمکراتیک انقلابمان بگوئیم ، ببایان برانیم . مارکسیستها باید مفهوم آن را درک کنند . اجازه بدهید برای توضیح چند مثال برجسته بزنیم .

محتوای بورژوا - دمکراتیک انقلاب بدین معناست که مناسبات اجتماعی (نظام ، نهادها) کشور از قرون وسطی ، سرواژ و فئودالیسم پاکسازی میشود .

مظاهر مهم ، آثار و بقایای سرواژ در روسیه تا ۱۹۱۷ کدام بودند؟ پادشاهی ، نظام امتیازات اجتماعی ، مالکیت ارضی ، اجاره داری زمین ، موهبت زنان ، مذهب و ستم ملی . هر یک از این طوبله های اوژبای را در نظر بگیرید . طوبله های که اتفاقاً ، تا حدود زیادی از سوی ستمی دولتهای پیشرفته همینکه آنها انقلابهای بورژوا - دمکراتیک خود را در یکدم و بیست و پنج سال پیش ، دوست و بنجاه و اندی سال پیش (۱۶۴۹ در انگلستان) به انجام رساندند ، تمیز نشده رها پیش ما خستند ، هر یک از این طوبله های اوژبای را در نظر بگیرید خواهد دید که ما این طوبله ها را کاملاً تمیز کرده ایم . آنچه که ما در مدتی کمتر از ده هفته از ۲۵ اکتبر (۷ نوامبر) تا ۵ ژانویه ۱۹۱۸ ، زمانی که مجلس موسسان منحل شد ، از این لحاظ انجام دادیم هزار بار بیشتر از آن چیزی است که دمکراتهای بورژوا و لیبرالها (کادتها) و دمکراتهای خرده بورژوا (منشویکها و سوسیال رولسو - سونیترها) در خلال هشت ماهی که در قدرت بودند ، انجام دادند .

این نارسیس ها و خرده ها ملتلهای بسزدل و باوه سرا و لاف زن شمشیرهای چوبینشان را تاب دادند اما حتی پادشاهی را هم سقیه در صفحه بعد

سینه از معده ، میل بیباکانه ، سازمان ...

خواستهای انقلابی بوده باشد . خلق ما خواستار لغو و افشای تمامی قرار - دادهای اسارت آور امپریالیستی ، ادعای خسارت سالبان دراز جیب و لگسری و غارت و کشتار خلقهای ما از امپریالیسم آمریکا و بستن تمام جاسوسخانه ها و مراکز توطئه جینی امپریالیسم در ایران بود . کمونیست ها و نیروهای راستین انقلاب از همان آغاز بر خواسته های خلق پای میفشردند ، ما سوسیالیست ها و همداستانان آنها را طلب و دنبال کردیم و او چه کردند؟ آنها ما را خواستار حفظ نظام سرمایه داری وابسته بودند و تنها به یک سری اطلاعات درجهای رچوب این نظام دست زدند . آنها حاضر نشدند قراردادهای مهم اقتصادی (نظیر قراردادهای

● پس از قیام " دولت " و " شورای انقلاب " دست در دست هم ، نه فقط نتوانستند به خواست های اساسی توده ها که شهدای بی شماری را در راه کسب آن داده بودند ، پاسخ دهند ، بلکه در مقابل این خواست ها با تمام توان ایستادند .

نفت) و نظامی (نظیر قراردادهای دو جانبه ایران و آمریکا) را در معرض قضاوت توده ها قرار دهند . امیران نظام بی شرمانه به " منظور " بودن قراردادهای وقت زیادی که مطالعه آنها میگیرد ! اشاره کرد و بزودی از " مفید بودن " برخی از قراردادهای سخن گفت . آنها نه فقط حاضر نشدند دیناری خسارت از امپریالیست ها مطالبه کنند بلکه به آنها خسارت نیز پرداخت نمودند . بازرگان این نخست وزیر محبوب آیت الله خمینی از پرداخت سرمایه های به اصطلاح ملی شده امپریالیست ها حرف زد و آرزو مفید به حال ایران نامید .

بدین ترتیب " دولت " و " شورای انقلاب " دست در دست هم نه فقط نتوانستند و نتوانستند به خواست های اساسی توده ها که شهدای بی شماری را در راه کسب آن داده بودند پاسخ دهند بلکه در مقابل این خواست ها با تمام توان ایستادند و کمونیست ها این بگیرترین نیروی ضدا امپریالیست را که سرهمین خواست های انقلابی توده های پای میفشردند مورد تهاجم و سرکوب قرار داده و آنان را " ضد - انقلاب " قلمداد نمودند . اما هیئت حاکمه در صدر و صله پینه کردن سیستمی بود که عمیقاً شکاف برداشته و گسسته بود و این گسستگی که ریشه در وابستگی این سیستم به امپریالیسم داشت خود موجز بحرانی بود که در مقطعی از حرکت خود ، شاه و سلطنت را فرو بولیمید و باز همچنان ادامه یافت ، چرا که سیستم گسسته همچنان پای برجا مانده بود .

ادامه بحران اقتصادی - اجتماعی جامعه و ناتوانی هیئت حاکمه از مهار کردن آن ، تأثیرات مستقیم این بحران بر زندگی و معیشت توده های تحت - ستم ، بیش از پیش بحران سیاسی جامعه را دامن میزد و توده ها را در مسیر اعتدالی مبارزاتی نویینی قرار میداد .

خواست توده ها و به اعتبار آن حرکات اعتراضی و مبارزاتی آنها نه تنها فروکش نمی کرد بلکه بیشتر اوج می گرفت و در این میان جنبش کارگری و بخصوص جنبش ملی خلقها ، دم به دم گسترش یافته و به مراحل جدیدی از اعتدالی انقلابی دست می یافت . هیئت حاکمه از هر سو تحت فشار قرار می گرفت . به همین لحاظ برای خروج از این بن بست ، در شهر پیورماه هجوم همه جانبه ای را بر علیه خلق کرد ، حریم آزادیهای بدست آمده از قیام توده ها و بر علیه نیروهای انقلابی و کمونیست تدارک دید . با این امیدواری و خیال باطل که توده های نا آگاه را برای همیشه بدنبال خود دارد و خواهد توانست با چنین تهاجم و سرکوبی خود را از بحران نجات دهد . اما چنین سیاسی نه فقط نتوانست هیئت حاکم را از بحران نجات دهد ، بلکه بر عمق بحران نیز افزود ، شکست راه حل نظامی در کردستان ، اوگیری جنبش بیکاران (که بنا به گفته عناصر هشیارتر رژیم ، روزانه ۲۵۰۰ نفر بر تعداد آنها افزوده می شود) ، گسترش جنبش دانش آموزان ، اوگیری جنبش کارگری و ... همه و همه پشت رژیم حاکم را می لرزاند و شکافهای درونی آن را افزونتر می کرد . توده ها در تجربه زندگی خود و به یاری افشگری وسیع نیروهای راستین انقلابی و کمونیست ، بیش از پیش به ما هیئت عملکردها و سیاست های ضد انقلابی هیئت حاکمه پی بردند . ارتجاع به سرعت در سایشی انفراد قرار گرفت و از صدای ترک برداشتن سقیه سیستم حاکمه به وحشت افتاد .

سقیه در صفحه بعد

بقیه از مصلحت، قبل بیا نشیبه... سازمان... شکست مفتضحانه انتخابات شوراهای شهر که در آن تنها ۸ تا ۱۰ درصد مردمی که می‌توانستند رأی بدهند شرکت کردند، بی‌علاقگی و سپس نفرت توده‌ها نسبت به "مجلس خبرگان" و خیمه‌شب‌بازی درون آن و... همه و همه نشان دادند که چگونه توهم توده‌ها به سرعت در حال فروریختن است و همراه با این، حرکات زحمتکشان و توده‌های فقیر شهری برای اشغال خانه‌های مسکونی خالی سرمایه داران، معادله زمین‌های زمین‌داران، اشغال هتل‌ها توسط دانشجویان مبارز، جنبش حق طلبانه و انقلابی صیادان بندر انزلی و... نشان می‌داد که توده‌ها چگونه به ابتکار عمل خویش قوانین رژیم را زیر پا می‌گذارند و برای بدست گرفتن مقدرات خود بدست خویش بیا می‌خیزند. و اینها همه در حالی است که وضعیت اقتصادی رژیم روز بروز به سمت ورشکستگی و بحران بیشتر فرو می‌رود و هیچ چاره‌ای برای درمان آن نمی‌یابد.

هیئت حاکمه هر روز بیشتر از روز پیش زیر پای خود را خالی می‌دید و با هراقدام و حرکت جدید خود، این فضای خالی را عمیقتر می‌کرد. این بحران سراسری جامعه، بدون شک تأثیرات خود را بطور مستقیم در رشد تظاهرات و تظاهرات درونی هیئت حاکمه نیز باقی می‌گذاشت و بیش از پیش بر آنها دامن می‌زد. منازعه بر سر "نزیبه" در شرکت نفت، افتتاح وزارت بازرگانی و دعوی بر سر آن میان دوجناح هیئت حاکمه، حملات و تهاجمات صاحب قدرت و عناصر وابسته به آن، به دولت بازرگان و... در تظاهرات و میتینگ‌ها و... همه و همه تحلیلات بارز چنین اختلافات و شکاف‌های درون هیئت حاکمه بود.

دولت بازرگان در طی این مدت با ترمیم و بازسازی سیستم سرمایه‌داری وابسته و سرکوب جنبش خلقها "پاسخ" خود را به بحران جامعه و خواسته‌های توده‌ای داده و به اندازه کافی رسوا شده بود و دیگر چیزی در چنگ نداشت. این پاسخ‌ها دیگر نمی‌توانست و نمی‌تواند برای رژیم، کارساز لازم را داشته باشد.

جناح دیگر رژیم، یعنی روحانیون صاحب نفوذ و قدرت و همدستان آنها که طی یکی دو ماه اخیر در با سخگوشی به این بحران کوشیدند تا با حرکات سی‌سی از قبیل تشکیل تظاهرات "وحدت امام با امت" قدرت را فلول پاینده را از سقوط نجات دهند، اینبار در یافتند که باید به اقدام "قاطع" تری دست زنند. آنها دریافتند که آبروی بر باد رفته، هیئت حاکمه را با یک میتینگ و تظاهرات و... نمی‌توان باز یافت. رفرا اندوم قانون اساسی و انتخاب رئیس جمهور در پیش بود و نمی‌بایست اجازه داد که سرنوشته شکست‌آلود انتخابات شورای شهرها در اینجانب نیز، اینبار با دامنه بیشتری، حاکم شود.

● تردیدی نیست شاه‌خائن را باید بازگرداند و حکم اعدام او را در دادگاه خلق صدها بار صادر نمود و اجرا کرد. اما این فقط جزئی ناچیز از خواسته‌های فدا مپریالیستی توده‌های مردم است.

تفسیر و تحولات درونی هیئت حاکمه و حرکت اخیر "شورای انقلاب" و "خمینی" در هماهنگی با بخش ناچیزی از خواسته‌های فدا مپریالیستی خلق ما، در متن چنین شرایطی معنای واقعی خود را بازمی‌یابد و در حقیقت پاسخ این بخش از هیئت حاکمه به بحران اقتصادی - اجتماعی جامعه، فشا رنانش از مبارزات او جگر و گسترش پاینده، توده‌ها و شکافها و تظاهرات درونی هیئت حاکمه است. اما اینها که امروز چتر خویش را بر مبارزات فدا مپریالیستی توده‌ها گسترده‌اند و می‌کوشند تا با بهره‌گیری از آن اقتدار روبرو فلول خویش را با زیابند، مسلماً خواهند کوشید تا این مبارزه، توده‌ای را نیز در جهت تشبیت حاکمیت خویش، به انحراف بکشانند و با حداقل در مجاری فرعی و انحرافی دچار بن بست نمایند. اینها می‌کوشند تا استرداد شاه‌خائن و محاکمه و اعدام او را که فقط بخش بسیار کوچکی از خواسته‌های انقلابی توده‌ها است در محور مبارزات و خواسته‌های فدا مپریالیستی توده‌ها قلمداد نمایند. تردیدی نیست شاه‌خائن را باید بازگرداند و حکم اعدام او را در دادگاه خلق صدها بار صادر نمود و اجرا کرد. اما این فقط جزئی ناچیز از خواسته‌های فدا مپریالیستی توده‌های مردم است.

خواست‌های اساسی توده‌های تحت ستم ما، نابودی سیستم سرمایه‌داری وابسته‌ای است که با هزاران بند به امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم بقیه در صفحه ۱۹



"نگاهی به کارنامه استاندار خوزستان"

مدنی کیست؟ چرا او را کاندیدای ریاست جمهوری کرده‌اند؟

"برگ برمدنی" این شعار از جمله شعارهایی است که اینروزها برادر و دیوار شهرهای خوزستان دیده می‌شود! براساس مدنی کیست؟ چرا تا این حد مورد تنفر مردم آگاه جنوب است. مدنی که اینروزها عکسهای ریز و درشت او را بر در دیوار شهر می بینیم و از او بعنوان سرباز دیرین "انقلاب" و امید آینده ایران! یاد می‌گردد و تیمسار بودنش را زیر سرپوش عنوان دکتر مخفی می‌کنند (بهرحال مردم مایک دکتر را بهتر از یک تیمساری بدبخت و بر "مد"!) بودن او تا کید می‌ورند، عوضی ملی و از همبای لکبهای بختبارنوکری اختیار روسی چون و چوای آمریکا می‌باشد. بیجهت نیست که تیمسار مدنی در ماجرای باروزنامه، لوموند دفاع از بختبارخان که امروز سرپرده‌گیش به امیر-بالیم آمریکا کاملاً روشن شده می‌بسر دزد. سینه‌بند چگونه: "بختبارمردی شریف، صادق و لایق بود اما خطاهای بزرگی مرتکب شد. باید به او اجازه داده شود که بعنوان یک شهروند ساده ایران، بارگردد." (آبندگان شنبه ۶ مردادماه ۵۸)

از دید تیمسار مدنی، بختبارمردی است! اما نسبت به کی؟

نسبت به خلفای ایران با امیربالیم آمریکا؟ نگاهی به عملکردهای بختبار با سخ این سوال را مشخص می‌کند. تیمسار مدنی در کابینه رزکان وزیر دفاع شد، ولی دوام سعادتش نکرد و بلافاصله به استانداری خوزستان و فرماندهی نیروی دریایی منصوب شد. و حکمروای مهمتین استان از نظر اقتصادی و موقعیت جغرافیایی گردید.

مدنی در آغاز کار بسیار کوشید با عوام فریبی خود را ضمنی انقلابی و ملی جا بزند و در این زمینه تا اندازه‌ای هم موفق شد، به طوری که پس از استعفایش از وزارت دفاع تعدادی از پرسنل نیروی دریایی که نسبت تا تیر عوام فریبی‌های او قرار گرفته بودند ضمن یک راهبیمانی اعتراضی خواستار افشای منحن استعفای مدنی از سمت وزارت دفاع شدند.

اما بیرو قایع خیلی زود ما سک از چهره دریا سالار کند! و اجازه نداد که جناب تیمسار برای مدت درازی در پوستین شبان باقی بماند! اگرچه ماهیت مدنی از همان ماههای اول استانداریش، از لایبای معاصیه‌هایی که انجام داد تا اندازه‌ای مشخص شد، ولی عمل کردهای فاشیستی وی در خوزستان و نقشش در کشتار و سرکوب خلق عرب دستش را جاسی رو کرد و نشان داد که این بار دیرینه بختبار خاش، ادا شده‌اند. همان راهی است که او نتوانسته بود دنبال کند.

در زیر قسمتی از معاصیه‌ای را که ایشان در ماههای اول استانداریشان انجام داده‌اند

بعنوان نمونه ذکر می‌کنیم. فرمانده نیروی دریایی در پاسخ خبرنگاری که می‌پرسد، آیا ایران به شیخ نشستان خلیج فارس که مسورد شهید کمونیستها هستند کمک خواهد کرد می-گوید: "ما کوشش خواهیم کرد که در امور سایر کشورها مداخله نکنیم، اما اگر مردمی که نمی-توانند از خود دفاع کنند ما طلب کمک کنیم" این وظیفه ما است که به آنها کمک کنیم. (تا کید از ما است، آبندگان ۴ شنبه ۱۹ اردیبهشت ماه ۵۸)

بزند. هر کس که زیر سر خود مختاری را امضا کند، ب مردم ایران خیانت کرده است، زیرا با خود مختاری ایران نطفه قطعه می‌شود. (بیمام امروز، ۱۴ خردادماه ۵۸)

سوروزای ایران نیک مبادند که برای غارت و چپاول خلقها باید حکومتی مطلقه و متمرکز داشته باشد. حکومتی که با اعمال ستم دوگانه بر خلقها با زار را در دست سوروزای ملیت حاکم (فارس) قرار میدهد. اما چون خود مختاری در مقابل این میل و حرص سوروزای

- از دید تیمسار مدنی، بختبار صادق است! اما نسبت به کی؟
- سیروقایع خیلی زود ما سک از چهره دریا سالار کند! و اجازه نداد که جناب تیمسار برای مدت درازی در پوستین شبان باقی بماند!
- مدنی: هر کس که زیر سر خود مختاری را امضا کند، ب مردم ایران خیانت کرده است.

ملیت حاکم قرار داد و مانع از تشکیل حکومت مطلقه و دیکتاتوری می‌گردد، اینست که می-بینیم برای فرمانده نیروی دریایی که تا کنون با عملکردهایش نشان داده او بیکی است که میخواهد همچنان با کشتار و سرکوب خلق، اما در لباس مردم دوستی و وطنخواهی و زیر لوای مبارزه با انقلاب و افراد وابسته به بیگانه، صنایع سرمایه داران وابسته و امیر-بالیستها را تنگت کند، شعوراً عمل قدرت نوده‌ها (۲) از طریق خود مختاری، دیوانه-کننده و کینه توزانه به آن حمله می‌کند.

آری، شاه خاش نیز با همین منطق کمک رسانی و زیر سرپوش مبارزه با "فئودال کمونیست" ها "بود که بدنبال کمک طلبدین دولت ارتجاعی عمان به آنجا لشکر کشی کرد و مردم مسارژان ما مان را ساک و خون کشید. جالب اینجاست که مدنی، پس از معاصیه وقتی می‌بینید، بد-جوری پنهان به آن با افتخار، معاصیه دیگری با خبرنگار کیهان ترتیب می‌دهد و طی آن از فلسطینی‌ها پشتیبانی میکند، اما دیگر دیر شده بود.

ما برای آنکه این جلاد خلق عرب را بهتر و مشخص تر معرفی کنیم، در صفحات آینده به تشریح گونه‌هایی از عملکردهای وی خواهیم پرداخت.

الف- مدنی و مسئله خود مختاری خلق عرب

مدنی هم مانند دیگر همبالیگبها بشردر هر فرصتی به مسئله خود مختاری که یکی از مهم ترین حواشیهای خلقهای ایران و از جمله خلق عرب است حمله میکند و بدین ترتیب بیش از پیش ما هبتش را بنمایش می‌گذارد. به گوشه‌هایی از نظراتش در زمینه خود مختاری توجه کنید:

وی در این مورد به هیئت تحقیقی که به منظور بررسی وقایع خوزستان به آن استان رفته بود اظهار می‌دارد: "در خوزستان یک میلیون عرب ایرانی زندگی می‌کنند و تقیبه که اکثریت را تشکیل می‌دهند، فارس هستند. کل خوزستان برای ما مطرح است. من خود مختاری را اعلام می‌پذیرم." (آبندگان ۱۶ خردادماه ۵۸)

مدنی در معاصیه‌ای دیگر در مورد خود مختاری می‌گوید: "اصلاً خود مختاری مثل شمیردوتم است، که دم شش در خدمت امیر-بالیم سگار مسرود، ملتی که در جنگسال امیربالیم است، نتواند از خود مختاری حرف

مدنی همواره کوشیده است حق خود مختاری خلقها را (که عسارت است از مسئله‌ای و آزادی در برنا هر برزی زندگی اقتصادی، سیاسی و... بر اساس ضرورتها و نیازهای ملی و محلی خویش درجه را چوب ایرانی مستقل و آزاد) آگاهانه و خاشانه‌وار و رونه جلوه دهد و آنرا "تجزیه طلبی" معرفی کند تا بهتر بتواند با تحریک افکار عمومی علیه خلق عرب، زمین را برای کشتار و سرکوب و حشانه آنها آماده سازد.

- (۱) - بادمان هست که وقتی "فروغ" زن شاه خاش همه تیرها پیش در فریب توده‌ها سبک خورد، "سید" بودن خود را علم کرد و آنرا بر حشته نمود.
- (۲) - بدببب است وقتی صحت از اعمال قدرت توده‌ها می‌کسیم، به لیبیرالهایی چون شمیرخاقانی و باکاسانی که وجودشان اساساً ازین باسبوالیستی تنگ نظرانه است، بلکه تنها و تنها به طیفه کارگری برسد، ما همانطور که با رها گفته‌ایم مدافع پیگیر حق تعیین سرنوشت برای خلقها هستیم و معتقدیم که این سبب تنها در جمهوری دموکراتیک خلق است که تحقق خواهد پذیرفت.

بقیه از صفحه ۱۶

مفسرینی داندوز سرقول و قراهای او ساکار-
گران میرند که هشت خاکمه را ردا دهاو بیمان-
های نظامی و غیر نظامی شاه شاهن با امیرالاستها
را معتبرداسته و آسها و نا داراست!!

اما آنچه که در را بطدا مسا زرات کارگران
بیمانی صنعت نفت قابل تا مل است، عدم
هماهنگی، نبودن وحدت عمل در امر پیشبرد
مبارزه با ظراسدائی ترسین حقوق خویش یعنی
رسمی شدن می باشد، که بدون آن رسیدن به
این خواستهای امکان پذیر نخواهد بود. در
اینها باید گذشته از عوامل عینی این نسا -
تفاهنگی، سه کمبود عمده آقا جی، کم کساری
کمونسیتها در میان این بخش از کارگران بطور
مشخص اشاره کرد.

تجربیات، همکاری و یختسانی کارگران
رسمی سمب سنت در دست یابی رفاهی کارگر
بیمانی بداندائی ترسین خواستنان در حدود
می تواند مفید باشد.

راه پیمانی کارگران پیکار رشت

صبح روز چهارشنبه ۵۸/۸/۹ حدود ۱۵۰
نفر از کارگران پیکار رشت، مقابل اداره
نیروی انسانی اجتماع نموده و سپس با
شعارهای "کار، کار، حق سلم ماست"، "مرگ
بر سرمایه دار عامل بیکاری"، "جنگدیم
خون دادیم، چرا هنوز بیکاریم" و... دست
به راهپیمایی زدند.

تظار کنندگان بلاکاردهائی با مضمون
"مرگ بر سرمایه دار عامل بیکاری"، "نسا
فقط بیکاری را می شنود اما ما با تمام
پوست و گوشت خود درد بیکاری را حس میکنیم"
زحمتکشان بدانند ما بدون پشتیبانی شما
نمی توانیم از بیکاری، گرسنگی و گران
رهای بیابیم" و... با خود حمل میکردند.
یکی از کارگران برای رفقای بیکار ش
سخنرانی کرد که مضمون سخنانش چنین بود:
"معاون استانداری به ما کارگران بیکار قول
داد که حدود ۵۰۰ نفر از ما را تا امروز به
سر کار بفرستد ولی حرفش عملی نشده است.
در حالیکه ما میدانیم یکی از مشکلات اساسی
ما بیکاری است. این دولت به اصطلاح
انقلابی چگونه اقدامی برای رفع بیکاری
ننموده. سعد از قیام تعداد معدودی از
کارگران سر کار رفته اند، مثلاً در کارخانه
پوشاک که گنجایش ۶۰۰ نفر کارگر دارد در
حدود ۲۰۰ نفر کارگر کار میکنند. این
دولت هنوز قانون منع استخدام کشوری را
در کارخانه ها و ادارات و ادارات لغو نکرده،
استاندار نیز ما را که بیای از قبیل "خلال
گر" و "عد انقلابی" میزد ولی حالا برای ما
کارگران روشن شد که اینجا خود مرنسج و
دشمن خونین ما کارگران میباشند... "مقا-
مات" دولت انقلابی "در رشت به خواسته
برحق کارگران شریف و زحمتکش هیچگونه
پاسخی ندادند و این تعب و آوریست، چرا
که از دولت حامی سرمایه داران و زمین-
داران نمی توان انتظار دیگری داشت. ■

و بیکنا توری وی را محدود میکنند شدت نفیست
دا رد، از اینرو با رها و بارها برای سرکوب
شوراها و کارگران مبارزه اعمال مختلف دست
زده است، از جمله اینکه ما می کارگران مبارز
را تشبه و ما مدا رک ما واک مطابقت داده بودتا
شا بدبا بدست آوردن مدارکی، مانع فعالیست
انقلابی آنان گردد!

وقتی "شورای کارکنان شرکت سدکو- سد
ایران" چندتن از عوامل رژیم پیشین و مهره -
های امپریالیسم را از شرکت اخراج نمود مدنی
ضمن بحثنا مه ای "شورای اسلامی کارکنان سدکو-
سد ایران" را منحل شده اعلام کرد و از سوپرست
عملیات شرکت خواست که آنیکه با این شورا
همکاری میکنند و از این طریق در امور شرکت
"دخالت" میکنند، با نام و مشخصات سه
استانداری معرفی کند. عین بحثنا مه را در
زیرملاحظه میکنند.

ادامه دارد

ب- مدنی و عملکردهای

ضد کارگریش

کارگران آگاه خورستانی با عملکردهای
این عنصر فخلق و ضد کارگری خوبی آشنا شئی
دارند. در چند ماه اخیر مدنی چهره "دکا رگریش
را بخوبی نشان داده است. او هر جا که توانست
اعتمادات و اعتراضهای کارگران و زحمتکشان
را با سرکوب و خنوت باسج گفت. وی حتی در مواردیکه
کارگران با نمایندگان کارفرما در حال رسیدن
به توافق بودند، از کارگران میخواست که سه
مسببین اعتماد را معرفی نمایند. و با این
کار ختم و نفرت کارگران را برمی انگیزد.
وی دیوانه وار می کوشد که هر اعتماد با و اعتراضی
را، بجایی و با کساننی نسبت دهد تا سرکوب آن
آسانتر باشد.

همانطور که قبلاً گفته شد مدنی از اعمال
حاکمیت توده ها که ستوئی دامنه افسارگسیختگی

دکتر سید احمد مدنی



استاندار خوزستان

۳۵۹۱۴
۱۳۵۸/۱۲/۱۷

سرپرستی عملیات شرکت سد کو سد ایران

موجب سوابق موجود در استانداری شورا شئی در آن شرکت تشکیل یافته بنام شورای
اسلامی کارکنان سد کو سد ایران که این شورا در امور شرکت دخالتشائی منعیست
تا آنجا که حتی اقدام به اخراج پاره ای از کارکنان میکند.

چون در اجرای امر امام باید بتدریج مسئولان ومدیران تمام سازمانهای دولتی
و کارخانجات و مؤسسات مسئولیتبای خود را عهد و دار شده و از اختیارات خود
برای اداره هر چه بهتر کارخانجات و مؤسسات استفاده نمایند و افراد غیر مسئول
در جریان کارها حق دخالت و تعمیم گیری نداشته باشند ارایجهت برای اینکسه
امور در آن شرکت روال عادی داشته باشد و از دخالت افراد سازمانهای غیر مسئول
در امور شرکت جلوگیری بعمل آمد. باشد. بدیوسله انحلال شورا شئی که در آن
شرکت تشکیل یافته بود اعلام میگردد و از این تاریخ هیچکس تحت هیچ نام و هیچ
عنوان به اسم شورا حق دخالت در امور شرکت را ندارد.

خواهشمند است مراتب را به افراد بکه بنام شورای اسلامی کارکنان سد کو
سد ایران در امور شرکت دخالت میکردند ابلاغ و هرگاه از این تاریخ این دخالت
ادامه یافت چگونگی را به استانداری اعلام و این قبیل افراد با نام معرفی فرمائید. / د

دکتر سید احمد مدنی

استاندار خوزستان

۱۳۵۸/۱۲/۱۷

نگاهی به قانون اساسی محصول مجلس خبرگان (۵)

بکنند و از آن میان به یکی از آن مذاهب مومنت و جاگاهی ویژه به بخشند، و تازه مهر "الی الابد غیر قابل تغییر است" بر آن بکوبند، بدان علت است که "قشر ممتاز روحانیت" را در مسند "ممتازی" که به دست آورده است تثبیت کنند، و با جفت و بست های متعددی که در سراپای قاسمونی اساسی کار گذاشته اند باحصار خود در آورند. در اینجا مسئله اساسی همان قدرت سیاسی است که توجیهات مذهبی و تمسک به اکثریت داشتن این یا آن فرقه، و ممیاسر قراردادش تنها بهانه وسیله ای به منظور حفظ هرچه مطمئن تر این قدرت بکسار گرفته میشود. در واقع اصل یازدهم قانون اساسی چیزی جز یکی از همین جفت و بست های متعدد نمی باشد.

ادامه دارد

دستگیری بغاظر پخش اعلامیه

ساعت ۱۰ صبح روز جمعه ۱۱ آبان، توشلی شهردار تهران به دعوت "انجمن اسلامی جنوب تهران" برای سخنرانی به گود "شادی" واقع در خیابان شهید هرندی (فا ر سابق) میروید. در اشنای سخنرانی چند نفر از حاضران متوجه میشوند که افراد کمیته که به تکهائی محل مشغول بودند چند نفر را بجرم پخش اعلامیه دستگیر کرده و به کمیته برده اند. (ه) پس از پایان سخنرانی، اهالی که از این موضوع باخبر میشوند، با شعار بطرف کمیته میروند. می افتند. شمارها عمارت بودند از برادر زندانی آزاد باید گردد، "مرگ بر همه مفسدین: ساواک، سیا، مرتجعین"، "مرگ بر ارتجاع" و ...

نظاره کنندگان پس از رسیدن به محل کمیته در مقابل آن اجتماع کرده و دوباره شروع به شعار دادن میکنند. در اینجا یکی از پاسداران به مردم حمله ور شده و دیگری شروع به تیراندازی هوایی میکند. مردم ابتدا عقب می نشینند ولی دوباره جمع شده، شعار میدهند که بالاخره کمیته چه ها در اثر فشار مردم، مجبور به آزادی دستگیر شدگان میگرددند.

■ قبلا نیز اعلامیه هایی به امضای "عده ای از اهالی دروازه غار" در منطقه پخش شده بود که مضمون آن افشگری در باره "شوان محمد خوش جان" رئیس کمیته و حاجی هرندی سرپرست کمیته بوده و از جمله گفته شده بود که وقتی ما مرغان کمیته میدان غار سلاهای محاهدین خلق را ضبط کردند، مقدار زیادی از اسلحه های سگ را به فروش رسانده اند.

استدای ورودش بایران، در سخنرانی که در بهشت زهرا ابراه کرد، در مورد قوانینی که بدست رفاخان وضع شده است، گفت که او حق نداشته است که برای نسلهای بعدی قانون وضع کند! آری این ۹ ماه پیش بود، ولی اکنون پیروان موردتأشیدش نه "برای نسلهای بعد" که برای "الی الابد" قانون وضع می کنند. مرگ خوب است لکن برای همسایه!

اصل سیزدهم -

"خبرگان" اصل سیزدهم قانون اساسی را که حقوق دیگر اقلیت های مذهبی را نادیده میگیرد شرح زیر به توضیح رساندند: "ایرانیان زرتشتی - کلیسی - مسیحی تنها اقلیت های دینی شاخه میشوند که در حدود مقررات اسلامی در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل می کنند."

این اصل علیرغم مخالفت های نمایندگان پیروان این مذاهب، تصویب رسید. "خبرگان" باسی توجیهی ورد پیشنهادهایی که از طرف "نمایندگان" آن مذاهب داده شد، مهر تأشید بر اعلی گذاشتند که حتی انجام مراسم دینی شان را نیز در حد و مقررات اسلامی" حایز دانسته است! اتخاذ چنین روش های تنگ نظرانه از سوی هیات حاکمه و "خبرگان" تنها در این زمینه خلاصه نمیشود. بلکه گوشه ای از سیاست واحدی است که در تمامی زمینه ها عمل میکند.

روش کمونیستها در مقابل مذهب

روش کمونیستها در مقابل مذهب کسلا روشنی است. ما هرگونه تقسیم بندی و تبعیض بین افراد را بر بنیای مذهب بکلی مردود میدانیم. ما جاد به این گفته لنین آموزگار طبقه کارگر معتقدیم که میگوید: همه - کس باید مطلقاً آزاد باشد تا به هر مذهبی که مایل است، با هیچگونه مذهب، یعنی خداشناسی که هر سوسالیستی بعنوان یک قاعده چنین است، متعلق باشد."

اینکه "خبرگان" کوشیده اند که خط تمایزی بین ادیان و مذاهب گوناگون

در شماره های گذشته "پیکار" به بررسی از مصوبات مجلس "خبرگان" پرداختیم و نشان دادیم که اصولی که بعنوان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در حال تدوین است تا چه حد از خواستهای اساسی توده ها فاصله دارد، خواستهایی که انقلاب خونین ایران فی الواقع برپایه آنها شکل گرفت اکنون نیز در دنبال بحث خود به بررسی و ارزیابی کار "خبرگان" ادامه میدهم:

اصل یازدهم -

"دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی امم ازحنفی، شافعی، مالکی، وحنسلی دارای احترام کامل می باشند و پیروان این مذاهب آزادند در انجام مراسم مذهبی خود طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصی (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن رسمیت دارند و در هر منطقه که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند مقررات محلی در حدود اختیارات شوراهای بر طبق آن مذهب خواهد بود با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب."

همانطور که ملاحظه میشود دین رسمی جعفری اثنی عشری است که "الی الابد غیر قابل تغییر است" و رسمیت دیگر مذاهب را تنها به "تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصی" محدود کرده است. این امر آنگاه اهمیت بیشتری می یابد که در نظر داشته باشیم بسیاری از خلقهای غیر فارسی (کرد، بلوچ، ترکمن، عرب) از مسلمانان غیر شیعه می باشند (حدود ۱۱ میلیون نفر) با توجه باینکه رژیم کمونی سیاست نفسی حقوق ملی خلقها را در پیش گرفته است، تصویب چنین قانونی کاملاً ابعاد سیاسی به خود میگردد. شش در مجلس "خبرگان" به هنگام بحث سیرامون این اصل و بدننال آن نظارهات گسترده مردم در زاهدان، کسبه علیرغم مخالفت باصطلاح نماینده شان در مجلس صورت گرفت، بسیار این امر است. این در حالی است که حضرات "خبرگان" خود گاه و بیگاه ناله و فغان بر میدهند که گویا این "عمال بیگانگان" هستند که به اختلاف "شیعه و سنی" دامن میزنند! بدین - سان اس "رطب خوردگان" که "منع رطوبت" میکنند، از این طریق میکوشند بر انحصار ظلمی و کوشه نگری خود برده س تراقت کنند. انحصار طلسمانی که میخواهند حاکمیت باد آورده خود را که برپایه سو، استفاده از استنفادات بوده ها کسب کرده اند، باقیب اینک "این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است" جاودانه کنند. آیت اله خمینی در

فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع زحمتکشانش باشد

مصاحبه با يك صياد مبارز بندرانزلی

● می گویند صبر انقلابی! داشته باشید، ۷ ماه است صبر انقلابی میکنم. کلی بدهکارم، قرض کردم خوردم که فردا صیدی بکنم... ولی دیگه بچه من که صبر انقلابی سرش نمیشه.

● درحالیکه ما غیر ازدو پاروویک دونه قایق و چند تور ماهیگیری چیز دیگری نداریم که عده‌ای پاسدار بریزن با اسلحه مارا به رگبار ببندن که در آن صورت انقلاب دیگری صورت خواهد گرفت.

● سندیکی صیادان آزاد باید تشکیل بشه.

بی کتاب و بی قلم. من دیگه مسئول بسک خانوادام... اما می‌بینم پاسداران رودر روی ما قرار دارند. درحالیکه ما غیرازدیو پارو و یک دونه قایق و چند تور ماهیگیری چیز دیگری نداریم که یک عده پاسدار بریزن با اسلحه مارا به رگبار مسلسل ببندند که در آن صورت انقلاب دیگری صورت خواهد گرفت. دولت وام بیگاری که تا حالا بد ما ندادند، شیلات هم که همون قانون طاغوتی روی به رخ ما میکشه، درسمیناری که در مسجد قائمیه داشتیم یکی از برادران ما ۱۰ سوال مطرح کرد که شیلات حتی به یکیشون نتونست جواب بده.

س- میتونین بگین سئوالاتی که شد چه بود؟

ج- اولین سئوال این بود که شیلات معجه دلیل و منطقی سالیان دراز ما صیادان زحمتکش را قاچاقچی معرفی کرده درحالیکه تمام ملت ایران میدانند که صیاد نه اسلحه ای داره، نه مواد مخدر حمل میکنه و نه اسلحه از کشور خارج وارد میکنه و جبر الان در عصر انقلاب هم داره باز همون کارهایی را میکنه که قبلا هم کردیم. دولت پاسداران تهران به بندرانزلی آورده و عملاً می‌بینیم که پاسداران می‌ریزند. توی خونه بعضی صیادان و حتی تورشان را ضبط میکنند مثلاً توری یکی از برادران صیادمان نام "حسین آسوری" از ده "امین آباد" را به اتهام اینکه تور مال شیلاته، ازش گرفته اند.

س- غیر از اون خواسته هائی که گفتید، چه خواسته دیگری دارید؟

ج- سندیکی صیادان آزاد باید تشکیل بشه و دولت آنرا برسمیت بشناسه که در رابطه با اون ما بتونیم صیادان واقعی را بشناسیم و برای آنها کارت صادر کنیم و شرکتهای تعاونی بوجود بیاریم که هم وسایل صید و هم احتیاجات دیگر را ارزانتر بخریم.

س- آیا تا بحال به صیادان یا قایقهای آنها تیراندازی شده؟

ج- والله به کلیه قایقهای که مشغول صید باشند، تیراندازی میکنند، هم تودود خانه و هم تودریا، همین مدتی پیش دست یکی را با تیرزدن و یکی دیگر از برادران صیادمان هم در جالوس شهادت رسید. چندین قایق را هم ضبط کرده اند که هنوز در شیلات است.

از این دریا بهره برداری کنیم ولی شیلات فقط ۵ ماهشو آزاد اعلام میکنه که با در نظر گرفتن روزهایی که دریا طوفانی است و نمیشه کار کرد، عملاً میتونیم بگیم که جمعاً سه ماه کار داریم. قانون ۵ ماه صید درسال فائسون محمد رضا شاهه که به زور سرنیزه درست شده. اگر دریا نباشه هم خود صیاد مرده است وهم خانواده اش. اگه صیاد نتونه دو تا ماهی بگیره بیاره خونه، یا باید از دیوار مردم بالا بره یا باید بره بساط تریاک راه بیا ندازه و یا بسه قاچاق هروئین ببردازه. مقامات مسئول باید بیان ببینن که آیا تا سال ۱۳۴۳ صید در دریای خزر آزاد بوده یا نه؟ پس اگر به چنین نتیجه ای رسیدن که صید تا آن موقع آزاد بوده دیگر چرا این قانون تحمیلی را باز جلوی ما میدارن؟

س- اگر به خواسته های شما ترتیب اثر ندن، شما چکار می کنید؟

ج- ما می ریزیم تودریا، ما کارمون فقط صیادیه، نه زمین مزروعی داریم و نه هیچ کار دیگری. من خودم ماهی ۶۰۰ تومان کرایه خانه میدم. میگویند انقلاب شده صبر انقلابی!! داشته باشید، ۷ ماه است صبر انقلابی می کنیم، کلی هم بدهکارم، قرض کردم خوردم که فردا صیدی بکنم، بتونم بدهی ام را بدهم، ولی دیگه بچه من که صبر انقلابی سرش نمیشه. اون که نمیتونه هم گرسه باشه هم



صیادان زحمتکش در تلاش بی گبر...

آنچه در زیر میخوانید، متن خلاصه شده ای از مصاحبه می باشد:

س- الان چه تعداد صیاد آزاد وجود داره که هیچ شغل دیگری ندارند؟
ج- از آستارا تا بندر ترکمن صیاد آزاد خیلی زیاده، حدوداً بیش از ده هزار نفره ولی در مصاحبه ای که در رادیو تلویزیون بعمل آوردند، گفتند که صیاد به اون تعداد موجود نیست در صورتیکه در سمیناری که در مسجد قائمیه داشتیم، ۳ تا ۴ هزار نفر آمده بودند، با توجه به اینکه بقیه یا اطلاعی نداشتند و یا محلسون دور بود و نتونسته بودند بیان اینجا.

س- به جد ترتیب صادها در شرکت تعاونی استعمار میشن؟

ج- صادها از محل زندگی و کاشا نه خود دور میشن، میرن در سواحل مازندران و گیلان مستقر میشن و شروع به صید میکنند. اگه این صیادها ماهی زیاد گرفتن و صیدشان خوب شد، شیلات در مقابل اون پولی بهشان پرداخت میکنه، اگه (ماهی) نگرفتن، باید گرسنه بخوابند حتی عائله شان هم باید گرسنه بخوابند و شیلات هیچگونه کمک به صیادان نمی کند. ما صیادان آزاد ۱۵ سال پارزیم گذشته دست به گریبان بودیم و جنگیدیم. ما صیادان ۱۵ سال انقلاب کردیم و با این ظلم و ستم طاغوت جنگیدیم. انقلاب فقط به این منگن که آدم بره گوشه زندان بخوابه با آدمو تمدش میکنن، ما حون دادیم، ما کشته دادیم، ما الان معلول داریم که دست نداره، با ندازه، خانوادها سی سرپرست داره. ما کشته دادیم، آنقدر کشته دادیم تو این دریا یسنی صیادها غرق می شدند. وقتی ژاندارم با اسلحه کنار دریا و می ایستاد، صیاد نمی تونن بیاد ساحل، در نتیجه قایقش چپ شده همساجا ترق میشد... این شیلات ۱۵ سال به ما ظلم کرد. حتی اون زمان افسری بود که یکی از دوستانمون کشت و یای یکی دیگر را برید که الان هیچ امرار معاشی ندارد... ازسال ۴۳ تا به این تاریخ همین شیلات توره های ماهیگیری مارا جمع میکرد و بنام قاچاقچی به آتش می کسید، قایقها مونو ضبط می کرد و نکه مداشت تا می بوسید و از بین میرفت و حتی صیادان را به دادگاه میفرستاد و اونجا صیاد باید میرفت و ۵۰۱ تومان جریمه می داد.

س- آیا در حال حاضر شما حاضرید با شرکت تعاونی شیلات همکاری کنید یعنی عضو شرکت بشین؟

ج- ما زمانی حاضر به همکاری در شرکت تعاونی شیلات هستیم که شیلات حقوق ثابت بمانده، ما روه استخدا م خودش دربیاره بیمه داشته باشیم، بازتستنگی داشته باشیم، مسکن و بهداشت داشته باشیم. چون هرنوع صیدی یک فصل مشخص داره ما میتونیم مرتب

(۱) - اسم این صیاد زحمتکش محفوظ است.
(۲) - صید ماهی تا سال ۱۳۴۳ در دریای خزر آزاد بود.

شیوه برخورد پرولتری یا خرده بورژوازی؟ (۲) چریکهای فدائی خلق

۳- چریکهای فدائی خلق و احزاب بورژوائی

تظا هرنا با بیداری ایدئولوژیک خرده بورژوازی

از آنجا که سازمان چریکهای فدائی خلق تاکنون طی یک مبارزه ایدئولوژیک جدی از موضع پرولتری با خط مشی و تفکر خرده بورژوائی چریکی و بویژه هسته لیبرالی موجود در تفکر و روشی رفیق جزئی که سر حرکت گذشته سازمان ج. ف. خ. اغلب بود مرز بندی قاطع و روشنی ننموده اند. هم اینک علیرغم تغییراتی در نظرات و عملکردها بیان نسبت گذشته، ما شاهد تظا هرنا با بیداری ایدئولوژیک خرده بورژوائی در مواضع و سیاستهای س. ج. ف. خ. هستیم.

جلوه های این ناپایداری و متزلزل آمدن ایدئولوژیک در برخورد به قدرت سیاسی، برخورد به جنبش کارگری و محتوای تبلیغ و ترویج، برخورد به احزاب و سازمانهای بورژوائی و خرده بورژوائی، برخورد به رویه بیونیسم و سوبال امپریالیسم و... بروز آشکارا یافته است.

این برخورد متزلزل و ناپایدار نسبت به مارکسیسم لنینیسم ضرورتاً به مفهوم در خدمت ایدئولوژی بورژوائی قرار گرفتن است. ما در اینجا ابتدا با مروری کلی و بسیار مختصر بر مواضع و نظرات سازمان ج. ف. خ. طی چند سال اخیر پرداخته و جلوه های تداوم عملکرد هسته تفکر و نظرات گذشته را در سیاستها و مواضع کنونی این رفقاست به احزاب و سازمانهای بورژوائی و خرده بورژوائی و... مورد بررسی و انتقاد قرار می دهیم.

سازمان چریکهای فدائی خلق از بسود بیداری، گرچه خود را مارکسیست - لنینیست می دانست ولی فاقد بینش طبقاتی پرولتری و برنامموشی مارکسیستی لنینیستی بوده است. طی دوران رکود جنبش توده ای این سازمان از اساسی ترین وظایف مارکسیست لنینیستها یعنی تبلیغ و ترویج سوبسبال دموکراتیک، پرورش سیاسی و متعابزر کردن پرولتاریا، توضیح ماهیت مناسبات طبقاتی اجتماع برای پرولتاریا و ترویج ایده های اساسی مارکسیسم - لنینیسم در انقلاب دموکراتیک و... (البته که جنبش پرولتاریا از زمان تاسه آخر استوار آراء دموکراسی و استقلال بوده و تنها در صورتی که بصورتیک طبقه متشکل شده و دارای حزب باشد، خود را ندیده اند) و ترویج انقلاب دموکراتیک را سمیده گرفته، خسانت بورژوازی و متزلزل خرده بورژوازی را خشنی کرده و انقلاب دموکراتیک را به انقلاب سوبالیستی تبدیل نمابند، بر بار زده و حتی جنبش ساستی را تفرقه در موعوف خلق حساب می آورد. لذا از لحاظ ساست عملی با محدود نمودن موقعیت طبقات در انقلاب دموکراتیک نه در موضع

پرولتری بلکه در موضع شام خلقی و خرده - بورژوائی قرار داشت. نتیجه این سیاست چیزی جز تبدیل پرولتاریا به زاده بورژوازی و محروم کردن پرولتاریا از شعور طبقاتی و سیاست مستقل نیست. رفیق سبزن جزئی یکی از نشور بسینهای خط مشی چریکی که نظرات تروی بکدوره از حرکت سازمان ج. ف. خ. را هدایت میکرد، در مقاله ای تحت عنوان "تحلیل موقعیت نیروهای

با بدخود را متعابزر نگاه دارد، زیرا فقط اوست که تا لحظه آخر دشمن ناپتقدم و مسلم حکومت مطلقه خرا هبدود، فقط بسین او و حکومت مطلقه است که صلح و مصالحه امکان پذیر نیست. تفاوت دود بدگاه را بسینید! یکی می - گوید که در مبارزه بر مردم حکومت مطلقه پرولتاریا با بدخود را متعابزر نگاه دارد، درجه فقط او دشمن تا به آخر استوار این حکومت است و دیگری می - خواهد از طریق مبارزه (نا بیکر و متزلزل) خرده بورژوازی، پرولتاریا را به میدان مبارزه

● **بدلیل عدم مرز بندی جدی از موضع پرولتری با خط مشی و تفکر خرده - بورژوائی چریکی و بویژه هسته لیبرالی موجود در تفکر و روشی رفیق جزئی، علیرغم تغییراتی در نظرات و عملکردها نسبت به گذشته ما شاهد تظا هرنا با بیداری ایدئولوژیک خرده بورژوائی در س. ج. ف. خ. هستیم.**

بکشاند. لنین می گوید: "مطلوب نمودن مفهوم مبارزه خرده بورژو - ازی که هدف آن انقلابی مل دموکراتیک است با مبارزه پرولتاریا که هدف آن انقلاب سوبالیستی است، سوبالیستها را به ورنگستگی سیاسی تهدید می نماید." (دو تاکتیک ...)

رفیق جزئی در مقاله "چگونه مبارزه مسلحانه توده ای میشود" می گوید: "... روش - فکران سبب آگاهی خود آگاهی بسختی داشته و چون جنبش از آن برای آغاز حرکت کمک میگیرد، بسین دلیل در مرحله فعلی نیروی آماده و بالفعل جنبش مسلحانه را بطور مده و روش فکران انقلابی (روش فکران با کدام موضع طبقاتی؟) که اساساً منشا طبقاتی آنان فترهای با بسینی و سیاسی خرده بورژوازی است تشکیل می دهد."

مشی مبارزه مسلحانه جدا از توده که فریب ۸ سال بر سازمان ج. ف. خ. حاکم بود، منطق با همین بینش غیر پرولتری "تنگان دادن" پرولتاریا بسوبله نیروهای "بافعل" جنبش بوده است.

بر طبق دیدگاه حاکم بر س. ج. ف. خ. طی سالهای گذشته عمل مشترک با خرده بورژوازی بمعنی سکوت کامل در قبال ما هیت طبقاتی آن می باشد و مبارزه طبقاتی با بدستنی سر "عرف" و "ضوابط منطقی" باشد: "مبارزی که مضمون حرکاتشان سک اندازی و بنوطنه چینی در راه تشکیل نیروهای وابسته به خرده بورژوازی را دیگال بوده است، خیال کرده اند که بسا زیربانیان "عرف" موجود (منظور بسیننده چیزی جز توده های متقابل سیاسی ایدئولوژیک نیست) و ضوابط منطقی (چه مبارزه طبقاتی با نزاکتی!!) در روابط بسین حاسبای مختلف حسن خلق می توان سبم پرولتاریا را در جنبش خلق انرا بسین داد." (مقاله "وظایف اساسی

انقلابی ایران" از انتشارات س. ج. ف. خ. در مورد خرده بورژوازی می گوید: "نه تنها به این دلیل که این نیروها جنبش از نیروی خلفند می بایست آنان را به شکل و مبارزه در صفوف حش رهایی بخش در جاح تحت رهبری طبقه کارگر قرار دادند، بلکه به این دلیل که این نیروها امروز آماده ترند تا نوبت به مبارزه آنیست که با توده های رزمکنش را بسبب کرد." (تاکید ارمات .) لنین در کتاب "وظایف سوبال دموکراتهای روس می نویسد: "پرولتاریا در مبارزه اقتصادی (مبارزه بر علیه سرمایه داران) کاملاً تنها بوده و در آن واحد با انشرف مالک و هم با بورژوازی روبروست و فقط از کمک آن عناصری از خرده بورژوازی برخوردار است (و آنهم نه همیشه بلکه سندرست) که بسبت پرولتاریا گرایش دارند. و حال آنکه در مبارزه دمو - کراتیک یعنی در مبارزه سیاسی، طبقه کارگر روس تنها نیست. جمیع عناصر مخالف سیاسی، فترهای اهالی و طبقات در ردیف وی قرار می گیرند... طبیعتاً این سوال بسین می آید که طبقه کارگر چه روشی را باید بسبت به این عناصر اتخاذ نماید؟ و بس آنان با بدسرای یک مبارزه عمومی بر مردم حکومت مطلقه، به آنها بسینند؟"

لنین به سوال دوم چنین پاسخ می دهد: "سوال دموکراتها من اینست که همستگی دستعات گوناگون مخالف حکومت مطلقه با کارگران انشاره می نماید، همواره کار - گران را متعابزر خواهد نمود. قسواره حسه موقتی و مشروط این همستگی را توضیح خواهد داد، همواره محرا بسودن طبقاتی پرولتاریا را که مراد امکان است در حبه مخالف متفقین امروزی خود قرار گیرد، خاطر بسین خواهد کرد."

و بست را چنین ادامه می دهد: "در مبارزه مردم حکومت مطلقه طبقه کارگر

مارکسیست - لنینیستها... "از زمان ج.ف. خ (۱۰) .

رساله "وظایف اساسی مارکسیست - لنینیستها... در جای دیگری میگوید: "باید سروحدهت ماسع همه طبقات خلق که درنا بسودی طلقه امیرالیسم وپیروزی انقلاب دموکراتیک (سارهری کد ام طبقه وارجه نوع؟) سبخته است . راههای همکاری واتحاد همه طبقات خلق راهواروموارترکرد . (وظایف اساسی... قسمت دوم)

وبادرجای دیگر درشعنا ازخرده بورژوازی می گوید: "خرده بورژوازی سمورت سروسبی طلی مسکده درسارزما امیرالیسم ارفاطعت وپیگیری سرحورداراست . (هماغه) .

وبازدرهمانجا " ... بدین سب سرحلاف جوامع کلاسیک (!!) این جنش سابد موردنوجه خاص کمونیستها قرارگیرد ."

جنین است کندن دشمن پرنسب پروولتری مثنی چریکهای فداسی خلق راهه انواع کرایس- های اپورتونیستی (اگرچه جنس ندر آن ن سبخته باشد) آلوده می سازد .

نه گفته ای ازالیانسکی یکی از نظریه بردازان تزارخانی راه رشغیرسما به داری نگاهای سفسکم و آن راها مجموع نقل قولهایی که از شورسینهای مثنی چریکی نقل کردیم مقابسه کنیم :

"شرکت فشرهای معنی ازسورژوازی ملی درقدرت ساسی دارای ملل مختلف است . شرکت این فشرها فقط از آن جهت است که این فشرها در اشتلاف ساسی سروهی دموکرات و ضد امیرالیستی شرکت دار سبد در مرحله معین تاریخی به بشوری درراه ترقی انحصاری ذعلقه اند . این فشرها از نظرساسی ، اسبد - شولوزیک ، سارماسی واتقصادی از فشرهای دیگر برای زندگی ساسی نمال وشرکت در حاکمیت ساسی آمانده ترند " (راه رشد غیر- سما به داری ، دومقاله ازالیانسکی)

وجای شعنا است که حتی الیانسکی (شورسین اردوی سوسپال امیرالیسم) در چند سطر سمد ساسی ساداری ونقاد را حطسست نمابندگان روشنفکرخرده بورژوازی را دیکال مبدان دلی چریکهای فدایی خلق از قاطعتت وپیگیری خرده بورژوازی وطنی سخن میگویند!! در اینجا چریکهای فدایی سفا هم طبقاتی راجا بگزیس مبارزه طبقاتی کرده وسجای افشای ناپیگیری وشزلزل خرده بورژوازی آن رانبرویی قلمداد میکنند که از قاطعتت وپیگیری سرحور داراست . اگر رهبری انقلاب دموکراتیک ساسی خرده بورژوازی را دیکال باشد ، اشکالی ندارد فقط : " اگر گروههای مرفه خرده بورژوازی که دارای دیدگاههای محافظه کارانه ومدکاگری هستند ، رهبری مسازرات را سمدت گیرند می - نواسد (تازه در این هم جای شک هست !!) وحدت سیرهی خلق رادجاریانکال (فسط انکال) سارسد . (تاکیدازماست ، وظایف اساسی...) .

از رهبری پروولتا ربا سخن هم در میان نیست ، افشای شزلزل خرده بورژوازی "عسرف

موجود وسواط منطقی در حنا جهای مختلف خلق" رازیربا خواهد گذشت . از نظر چریکهای فداسی اتحاد ساسی سیرهی خرده بورژوازی همیشه به مفهوم سکوت کامل در قبال شزلزل ونابگیری خرده بورژوازی و دادن امتیازات ایدئولوژیک بوده است . سکوت کامل چریکهای فدایی در مقابل سازشکاری محاهدین خلق وسابرنیرو - های چپ خرده بورژوازی در مرحله کنونی نیز نشاندهنده همین انحراف اساسی انسان از موضع مارکسیستی - لنینیستی است .

۴) س.ج.ف.خ ورویزیونیستها در ساره نحوه سرحورس.ج.ف.خ ساسا چریکات رویزیونیستی سادگفت چگونه می - شوان انتظار مرز بندی قاطعانه رابو پیسو - نسیم از کسانای راداشت که خود سسختوس ش

نوروی رانا حددا شش یک سیاست لبرالیسی کاهش میدهد . این سوسه نشان میدهد که س.ج.ف.خ . در ساره " حزب نوده هیچگاه از مونسج اصولی ومرز بندی قاطعانه رابو پیسو نسیم که خود مستلزم شناخت سوسپال امیرالیسم سورو میسبا شد صورت نگرفته وبه سثنی شعنا رخلاصه میشده است . نداشتن دیدگاه ، برنا هوسبا سست پروولتری در مواردی سیرس.ج.ف.خ. رابطرح شعناهای لبرالی که بدون شها ت به سغنی مواضع حزب نوده سبوده است ، کثانده است . شعنا "مرک برنا هدیکتا شوروجا میان امیرالیسم لیبست " که در واقع مضمون اصلی انقلاب دمور - کراتیک وسدا امیرالیستی رامعدوش سسوده و دیکتا نوری شاه را از با یگاه طبقاتی سغنی سوروژوازی وابسته امیرالیسم جدا میسازد

● **بهنگام اوج گیری جنبش توده ای ۵۷ - ۵۶ این سازمان نه تنها برنا مه پروولتری ارائه نداد ، بلکه با حمله به شعنا " برقرار ساد جمهوری دموکراتیک خلق" و جایگزین کردن آن با شعنا خرده بورژوازی " برقرار ربا دحاکمیت خلق" به دنباله روی از خرده بورژوازی افتاد .**

علا همان شعنا "جهه" واحد دیکتا نوری " حزب نوده را تسلیم میکند . سیرن جنسی در رساله " سیرد با دیکتا نوری جنس می گوید : " سطر ما حشس حاسرکه مرحله ای است از حشس رهائسش خلق . ساشما راسرا سزیک سارزه با دیکتا نوری شاه سشس می شود . همان رساله در جای دیگر می گوید : " در حال حاسر طریچ گردن شعناهای انقلاب دموکراتیک توده ای سسواند خلق رابره سیری طبقه کارگر سحناسازد . " ساس رساله ، وظایف اساسی می گوید : " طرح این شعنا ره سحورت تسلسلی در مرحله " کنوسی اشنا به تشدید نعد میان چریکهای میرپروولتری ساس جنش کارگری منجر خواهد شد ."

۵) سیاست س.ج.ف.خ. هنگام برآمد جنبش توده ای

سیاست دناله روانه س.ج.ف.خ. شنها به دوران رکود جنش توده ای که وظیفه سار - کسیت لنینیستها دروله " اول سیدار کسردن توده ها بوده است مربوط می شود ، بلکه به هنگام اوج گیری جنش توده ای ۵۷ - ۵۶ هنگام میکه بورژوازی لبرالی آنکارا در مسر سازش با امیرالیسم واتسباد سلطنتی گام برمی - داشت س.ج.ف.خ . نه تنها فعلا نه در افشای خبانت پیچی بورژوازی لبرالی گام برنمی - داشت بلکه خود ساد عدم ارائه برنا مه پروولتری در انقلاب دموکراتیک به دنباله روی از بورژو - ازی پرداخت . این سازمان نه تنها سرنامه پروولتری ارائه نداد بلکه با حمله به شعنا " سرب قرار با جمهوری دموکراتیک خلق" و جایگزین کردن آن با شعنا خرده بورژوازی " سرفوار ساد حاکمیت خلق" وساموع گیری در سار سونسو - های که شعنا " جمهوری دموکراتیک خلق " ر مطرح می ساشند ، دناله روی طبقاتی خود رابه کمال رساند . رساله " وظایف اساسی... " می گوید : " سسحه منطقی وطنی طریچ و تسلیغ

انحرافات اصولی از مارکسیسم - لنینیسم بوده و دچار کرایشات اپورتونیستی ونجدید نظر - طلبانه هستند . سرف نظر کردن راهبه رهبری پروولتا ربا در انقلاب دموکراتیک ، مقید دانستن سارزه " طبقات به " عرف " و " سواط منطقی " و سرف نظر کردن از شعنا ساسست مستقل پروولتری در انقلاب دموکراتیک راه را برای سروزناسوع کرایشات رویزیونیستی وسازش ساشنا بازمی - گذارد . مواضع س.ج.ف.خ. در مورد سوسپال امیرالیسم سرحور و حزب نوده نشاندهنده " شزلزل ونابعداری ایدئولوژیک خرده بورژو - ایی وسازش رابو پیسو نسیم می ساشد . س.ج.ف.خ. از طرفی رهبری حزب ودولت شوروی را رویزیونیستی می داند و از طرف دیگر شوروی را یک کشور سوسالیستی قلمداد می کند . اگر رویزیونیسم ایدئولوژی بورژوازی است و اگر رویزیونیسم سبنا ازدوده است که در سبب ودولت شوروی سلسط با فته ودر ساسست داخلی و خارجی سشس سسین سکنده سبدا نموده ، چگونه سشوان آن را یک کشور سوسالیستی بحساب آورد . روشن است که وقتی شوروی را یک کشور سوسالیستی بحساب آوریم ، نمی توانیم در مورد احزاب وچریکات وابسته به آن سبزدید - گاه در سنی داشته ساشیم . روزنامه سگسار ۲۳ ارگان س.ج.ف.خ. در ساره " حزب نوده می - گوید : " سوسانات موجود در حرکت حزب نوده ناشی از مرصط طلنی سیاست سارانه " توده سبایی است که ساس راه سرح روز می سحورند ساشنا ساس " تحریکی " و " سختکی " می گذارد . از این نظر حزب نوده پرا ن ، حربی که سشوا سندی آنرا احس مفاطمه کاران سسره تشکیل میدهد دارای هویت ساسست راجا افتاده ای است . لذار هر مود خاص در آسبده در از سمدت از سمل می توان در ساس - فت که سبنا سحور حرکت نوده سبها ساس سیاست لبرالی است . " س.ج.ف.خ. اینچنین خبانت - پیچی حزب نوده واخلالگری آنرا در جنشس کارگری وواسستی آن به سوسپال امیرالیسم

این شعارهای بیشتر در سخن بوده‌ای نظیر به میران آمدگی و نوار و نوارمان با فکسی سروهای دجیره آن‌ها اکثر سرفرشدن و حدا اعتادین طراحان این شعارها را پیرویه رشد خموش خلق و حدا فیل هر زرفین سروها ساکنکار توخالی این شعارهاست. (نقل از وظایف اساسی ۱۰۰۰). رساله‌سین با آوردن نقل قولی از لنین که میگوید:

"فقط اساسی کاملاً جاهل ممکن است جنبه بورژوازی تحول دموکراتیک را که در حال عملی شدن است اصرار بر آوردارد، فقط حوسبان کاملاً ساده لوح ممکن است این موضوع را براموش کند که درجه اطلاع نیده کارگر اراده‌های سوسیالیسم و شیوه‌های اجرای آن هنوز ساده انداز کم است... این ایده را تلفیق میکنند که شعار جمهوری دموکراتیک مربوط به مرحله انقلاب سوسیالیستی و مرحله‌ای است که درجه اطلاع نیده کارگر اراده‌های سوسیالیسم بالا باشد. اس تحریف مفرمانه و آشکاری است. لنین در همان کتاب "دونا کشیک..." برای انقلاب دموکراتیک روسیه شعار "دیکتاتوری دموکراتیک کارگران و دهقانان" را میدهد و مطالب بالا را در پاسخ آن کسی می گوید که معتقدند این شعار به مرحله انقلاب دموکراتیک ربط ندارد و لنین راه عدم درک جنبه بورژوازی تحول دموکراتیک متهم میکنند.

همین برخوردی ج.ف.ج. با انقلاب دموکراتیک نشان میدهد که "میزان با لنین آفادگی و شکل طبقه کارگر" تنها نه‌ای سبب سست و اصولی ج.ف.ج. در عمل اعتقاد به رجحری پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک ندارد. کمونیستها با صرف نظر کردن از اصول و اساسی ضیفاتی نمی توانند آگاهی و شکل پرولتاریا را بالا ببرند، بلکه فقط با طرح شعارهای اصولی خود و ترویج آن در میان پرولتاریا است که میتوانند این کار را بکنند. لنین می گوید: "حال که مردم از دولت نداشته اند و سوده نه لزوم استغفار از نظم جدید بی سده است حرسی که هدف و منظور خود را سرگون ساختن حکومت فرا ردا ده است تا گریز باشد در فکر اس ساند که چگونه حکومتی را جایگزینی حکومت قدیمی که ما سده سرگون خود ساختا - پند." (دونا کشیک...)

"نیروی بی که فا در است به پیروزی فطی سر تراریم نایل گردید فقط ممکن است مردم یعنی پرولتاریا و دهقانان باشند، در صورتی که نیروهای اساسی و بزرگ در نظر گرفته شود و هر چه بورژوازی ده و شیپر (که ایما را "مردم" هستند) اس اسن و آن تقسیم گردد پیروزی فطی انقلاب سر تراریم عمارت است از استغفار دیکتاتوری اساسی: دموکراتیک کارگران و دهقانان" (لنین، همانجا، تاکید از ماست).

کسی با لنین ترمی گوید: "حال احتمال اس پیروزی ناچه درجه‌ای است و جنبه‌ای است خدا گاه، در اس مورد ما سبجوه طرمدا ر حوسبی سرفملاکسی

سیستم، ما سبجوه دتواری عظیم اسن و شمرار امراموش نمی کنیم. ولی وقتی به مبارزه اقدام می نمائیم، باید خواهان پیروزی باشیم و بنام اسم راه واقعی و اصول به آن راستان دهیم." (لنین، همانجا، تاکید از ماست). "اگر این پیروها کفایت نکرد در این صورت تراریم مویس به بندوست خواهد شد... در چنین صورتی کار به مشروطه خاص و سر و دم بریده و با حتی - در بدترین حالات - به مسفره مشروطه هم خواهد شد." (لنین، همانجا).

خواهد شد، بلکه لبرالسم موجود در تفکر و سست سازمان همچنان ادامه خواهد یافت. رساله "سایح به معما حه" رفیق اشرف - دهفانی" از آجرین استنارات س.ج.ف.خ. نشان داد که چریکهای مدایی خلق ستنهسا درمعد نفی کامل دیدگاه و سیاست غیر پرولتری گذشته خود نیستند بلکه می خواهند با آرایش ونوجه آن جوهر اندیشه‌های غیر پرولتری گذشته را حفظ کنند. این رساله سبی دارد در منن با سخوی به نظرات "رفیق اشرف دهفانی" تا آنجا که امکان دارد حجم بیشتری از گذشته رانجات دهد. رساله نظریات رفیق احمد زاده

● موضع پراگماتیستی س.ج.ف.خ.، در مورد "دولت موقت" مبنی بر تأکید کارهای درست و انتقاد از کارهای غلط! ادا مه سیاست دنباله روی و برخورد لیبرالی با مبارزه طبقاتی بوده است. ● رفقای فدائی در برخورد به نظرات رفیق "اشرف دهفانی" سعی دارند، حجم بیشتری از گذشته رانجات دهند و نظرات رفیق احمد زاده را مربوط به "یک دوره" و نظرات کنونی سازمان را هم مربوط به "دوره نوین" ارزیابی نمایند.

لنین وظایف سوسیال دموکراتها را در مومعت انقلابی، حشکا میکده طبقات از انقلاب محنت می کنند چنین توصیف میکنند: "آنها با آن آسوا با زده انقلاب را رسمیت می شاسد تا بدین وسیله با خطر کمتری از این انقلاب سمع خود استفاده نمایند و به آن حیات وررند. وظیفه ما اکنون این است که به پرولتاریا وسه تمام مردم نشان دهیم که شعار "انقلاب" کافی نیست و باید مصون واقعی انقلاب بطور روشن، صریح، بیکیرو فطی تعریف شود و ما اس تعریف شامل بگانه شماری است که میتوانند پیروزی فطی انقلاب را بطرز محیی بیان کند و آن شمار دیکتاتوری انقلابی دموکراتیک پرولتاریا و دهقانان است." (لنین، همانجا).



موضع پراگماتیستی س.ج.ف.خ. در مورد "دولت موقت" مبنی بر تأکید کارهای درست و انتقاد از کارهای غلط آن!! ادا مه همین سیاست دنباله روی و برخورد لیبرالی با مبارزه طبقاتی بوده است. ممکن است به ما انتقاد شود که در ایدئولوژی و سیاست عملی س.ج.ف.خ. تحولاتی انجام گرفته و متنی گذشته از طبقه کارمان "عملاً" به کناری نهاده شده و در نوشته های متعدد سازمان بطور صریح و غیر صریح مورد نقد قرار گرفته است. و اصولاً مادام که س.ج.ف.خ. طی یک مبارزه ایدئولوژیک از موضع پرولتری بطور اصولی سر مواضع گذشته خود سست به مبارزه طبقاتی، مومعت طبقات در انقلاب دموکراتیک، مصون انقلاب دموکراتیک سک و... خط بطلان نکنند و اعلام نظرات جدید را صراحت همرا سارده و سنی مارکسیستی - لنینیستی نظرات گذشته و میرزبندی قاطع و روشن نسبت به گذشته انجام ندادند، نه تنها! این مواضع، مواضع رسمی سازمان تلفسی

را منتقل به یک "دوره" و نظریات کنونی سازمان را منتقل به "دوره" نوین" جنبشی کمونیستی می‌داند (ولاجرم در شرایط دیگر حتماً اصول دیگری لازم خواهد آمد). رساله با این "دوره بندی" اصول مارکسیسم لنینیسم را تا حد انطیاق آن با دوره‌ها با هم می‌آورد: "اما آنچه را که در اسما باید مورد توجه قرار دهیم و از پیش روشن سازیم اینست که سببیم رفیق مسعود احمدزاده جزوه خود را درجه شرایط ضمنی نوشته و رفیق اشرف درجه دورانی دارد سس می‌گوید" (ص ۳. تاکید از ماست)

رساله در باب اینکه چه کسی وارث حقیقی رزم رفیق مسعود است، می‌نویسد: "اگر رفیق اشرف دهفانی و رفیقان مدعی آن هستند که وارث حقیقی رزم رفیق مسعود و دیگر رفقای آن دوره هستند، ما در پاسخ می‌گوییم وارث حقیقی دیالکتیک هگل در سده دوم قرن نوزدهم دیگر طرفداران هگل در همان زمان نبودند. اما ما اصل بودن راه در در حادز و عقیم ماندن که رشد کردن و برخورد دیالکتیکی کردن با سیستم اندیشگی خود در گذشته می‌دانیم. آنها این خود رفیق مسعود نیست که در سراسر اثرش با دکماتیسیم می‌جنگد و به نقل از دوره از ما می‌خواهد که "تابع سختگیرهای دیالکتیکی زمینی" باشیم؟" (همانجا ص ۵)

س.ج.ف.خ. خود را وارث حقیقی رزم رفیق احمدزاده می‌داند و معتقد است که نظریات غیر مارکسیستی - لنینیستی رفیق احمدزاده و نفی اصول عام مارکسیستی توسط وی را جنگ با دکماتیسیم قلمداد می‌کند و "تابع سختگیری های دیالکتیکی زمینی بودن" در رابطه با اصول عام مارکسیستی را که رفیق احمدزاده در دفاع از نظریات دیره بیان کرده، بمعنی برخورد دیالکتیکی جا می‌زند. حال به استراتژی عقبه در صفحه ۱۳

”ولایت فقیه“ گشادترین کلاهی که بسر مردم ایران می‌رود! (۵)

اینرا نادیده گرفته و هیچ (براستی هیچ) فرصتی برای بسراهن عثمان کردن آن جریان انحرافی طرد شده، از دست نداده، بسر خلا دادعای خود، (مجاهد شماره ۹) گناه کهنه باد دادن را شیوه همبستی خوبشن قرار داده اند. تا با این دستاویز بسر ضعفهای خود برده سافکنند.

اما بسنیم چگونه مجاهدین در قبال موضوع بسیار مهم ”ولایت فقیه“ موضعی مبهم و دوپهلوی - آنهم بعد از سنا ریکسماه -

عنوان یک سازمان زنده و فعال سیاسی اینقدر در بیان موضع خود برای مسردم تاخیر کرده اند. آنها که ”سکوت مقامات مجلس خبرگان“ در مورد ضرب و شتم خبرنگار ”مجاهد“ را بدرستی بمعنی تایید اقدام پاسداران مجلس تلقی میکنند (مجاهد شماره ۷) اما انتظار دارند مردم سکوت آنها در

در فسنهای پیشین این بحث، به شرح مبهم ولایت فقیه، آثار و عواقب آن و موضع گیری نیروهای سیاسی در قبال آن برداختیم. در رابطه با این نیروها موضع لیبیرال ها و حزب توده را در شماره ۲۷ ”پیکار“ مورد بحث قرار دادیم و اینسک موضع نیروهای دموکرات مذهبی را بررسی می کنیم! در رابطه با دموکراتهای مذهبی مناسبترین نمونه موضع سازمان مجاهدین خلق ایران می باشد.

● موضعی مبهم و دوپهلوی، آنهم پس از گذشت مدتی بیش از یک ماه.

● مجاهدین از یک طرف با تعریفی که از فقیه می کنند کسی را نمی توان فقیه نامید و از جانب دیگر به ”روحانیت مسبارز“ متوسل شده می پرسند: ”شما چگونه می توانید تضمین کنید که از اینگونه ولایت فقیه، استبداد و انحصارطلبی بیرون نیاید؟!“

سازمان مجاهدین خلق ایران سازمانی است دموکرات با سوابق انقلابی که موضعگیری های آن میتواند بخش قابل توجهی از اقتاری که این سازمان نمابندگی سیاسی-ایدئولوژیک آنها را به عهده دارد تحسنت تاثیر قرار داده، رهنمون باشد. بنا بر -

مورد مسائل بسیار حیاتی روز را ”اعتراف ض به خفقان تصور کنند! (مجاهد) در صورتیکه این ”نه اعتراض به خفقان“ بلکه تسلیم در برابر خفقان بوده است. مجاهدین بعنوان یک سازمان انقلابی دموکرات هیچ بهانه ای برای چنین سکوتی در برابر مسائل حساس نظیر کردستان (۱)، ولایت فقیه، ... نداشته اند.

بناظر ما عدم موضعگیری صریح و قاطع و عدم دفاع انقلابی از حق حاکمیت خلق حتی آنطور که از یک دموکرات انتظار می رود در برابر اصل ولایت فقیه که تمام دست آوردهای دموکراتیک انقلاب ما را زیر پا میگذارد، چیزی جز سرباز زدن از انحصار و طایف دموکراتیک این سازمان نیست. این موضع منفعل در واقع کمک است در جهت دامن زدن به توهمات توده ها، موضعی که نه استثنائی و منحصر بفرود، بلکه یکی از سلسله مواضعی است که این سازمان در دوره اخیر در رابطه با قدرت حاکم داشته است و ما به برخی از آنها (کردستان) قیلاً تا حدی اشاره کرده و به موارد دیگر نیز در جای خود برخورد خواهیم کرد. همینجا مناسب میدانیم به این نکته اشاره کنیم که مجاهدین در برابر حملات وحشیانه و زردپلانه نیروهای دست راستی بجای نیکه اصولی بر مواضع انقلابی و دموکراتیک ریشه دار سازمان مجاهدین و گرایش های مشخصاً ترقی خواهانه آن از مواضع خود عقب نشینی کرده تمام گامه و کوزه ها و ضعف های خود را بر سر ”انحراف اپورتسو - نسنتی جی“ خرد میکنند. جریانی کسه شبداد و عمیقاً زسوی ماریستی که بر علیه اسن انحرافات مارا زده اند هرگاه ما مثل اسن - ثولوزیک و طغیانی آن مورد بررسی و انتقاد قرار گرفتند و طرد شده اسن. دنا هادسین

این موضعگیری این سازمان در قبال اصل ”ولایت فقیه“ - اصلی که در کل قانون اساسی مجلس ”خبرگان“ جنبه محوری و کلیدی دارد و بر تمامی اصول آن سایه افکنده است - از اهمیت تعیین کننده ای در رابطه با کل مواضع این سازمان و میزان دموکراتیک آن - سرخسورد است و بسهمین اندازه نیز میتواند در گسترش با محدود کردن آگاهیهای عمومی موثر باشد اکنون بسببیم سازمان مجاهدین خلق در باره اصل ولایت فقیه چه موضعی داشته است. اصل ولایت فقیه، با اینکه از نظر نشر ممتاز روحانیت هدف نهایی حکومت بود اما نه در پیش نویس اول قانون اساسی ونه در دومی طرح نشده بود به این دلیل که در تدرین پیش نویس قانون اساسی روحانیت نقش کمتری داشت و همین طور در آن زمان یعنی ماه های اول بعد از سقوط شاه جو انقلابی و انتظارات عامه مردم از حکومت برای طرح چنین مسئله ای مناسب نبود و لذا آنرا به بعد، وقتی که با اصطلاح خرشمان از بل گذشت و انتخابات با اصطلاح آزاد مجلس ”خبرگان“ هم سپری شد، موکول کردند. بهر حال همراه با بحثهای داغ موافق و مخالف (فعلاً کاری به باگناه این مخالفت - ها نداریم) در سطح جامعه - کدکمونستها در سنا بسن مخالفین جسار اصل ندد دموکراتیک و ارتداتی بوده و هستند، سراجام پس از بحثهای شعاری آمیزی که در مجلس خبرگان صورت گرفت این اصل در ۲۲ شهریور مساه تصویب کردند. اما مجاهدین خلق ایران در ۳۰ مهر (مجاهد شماره ۷) یعنی شش ماه از یک ماه پس از آن، موضع مبهم و دوپهلوی خود، راجع به ولایت فقیه را اعلام کردند (به کدکمونستها و علما این موضع در سطور آمده و خواهیم رسید) بی آنکه سکوتت چرا به

مگیرند، موضعی که آنها را جز کانسسی قرار میدهد که بقول خودشان می توان آن - ها را ”مخالفتین تر مگین“ ولایت فقیه نامید در مجاهد شماره ۲۷ آنجا که خواستند اسن موضع خود راجع به ولایت فقیه را روشن کنند پس از یک بحث طولانی را چه کلمه ”فقیه“ مینویسند: ”اگر کسی واقعاً در اسلام فقیه نباشد و جوهر اصول و احکام این ایدئولوژی را عمیقاً درک نکرده و به هدف احکام واقف نباشد، حتی همین امروز نیز از بردگی و مالکیت خصوصی ابزار جمعی تولید دفاع خواهد کرد.“ با این حساب و با این ”فقهی“ که مجاهدین از اسلام برای خود قائلند آیا آیت اله خمینی را ”فقیه“ میدانند؟ مسلماً نه زیرا ایشان هرگز نه تنها احکام مترتب به بردگی و مالکیت خصوصی را زیر سؤال قرار نداده اند بلکه در مسئله ۱۷۱۰ رساله توضیح المسائل ص ۳۴۴ بر اساس قبول نهاد بردگی، فتوایش را (یعنی برآزاد کردن بنده) میدهند (همانطور که در کلیسای حوزه های علوم دینی یکی از بحثهای فقهی که تدریس میشود بحث مربوط به ”نکاح آنه“ یعنی ازدواج ما کنیز است که با ازدواج با فرد آزاد یعنی غیر برده فرق دارد) در مورد نظر آیت اله خمینی راجع به مالکیت خصوصی هم مراجعه کنید به سخنان ایشان خطاب به ماحمان صنایع (بیکار شماره ۱۴) آنجا که تاکید میکنند اینجا ملکات اسلامی است که کمونیستی و تنها این مسئله را به سرمانه داران متذکر میگردند که ”قدری“ رعایت حال کارگران را بنماشید مساسا دا انفعالر پیش سباید که در آن صورت از دست روحانیت هم دیگر کاری ساخته نیست!

کفتمیم بنا به تعریفی که مجاهدین برای فقیه درآورده اند آیت اله خمینی

بقیه از صفحه ۲۴ جنبش کارگری
کنند. وقتی ماده ۹۰ اس لایحه رامی نکامی
می گوید:

هیچکس حق اعتصاب ندارد. طبق این
ماده می توان کارگری که برای گرفتن گوشه ای
از حق دست به اعتصاب زده. بعنوان کسی که
در تولید اخلال کرده به ۲ تا ۱۰ سال زندان
محکوم کرد. آنوقت این دولت می تواند
طرفدار کارگروند امیربالیست باشد ؟

کارگران :

● دوستان! بورژوازی برای خود قانونی دارد و آن اینکه هر کارگری که
اعتراض کند، باید سرکوب شود! ما کارگران هم قانونی داریم و آن اینکه
تا زمانی که سرمایه داری و استثمار وجود دارد، مبارزه خواهیم کرد!

● آقای بهشتی نمی تواند برای ما قانون تصویب کند، کسانی می توانند
برای ما قانون بنویسند که از خود ما باشند. از جنوب شهر، از
کوره پزخانه ها، از...

ما می گوئیم اگر شما واقعاً خدا مهربا -
لبست هستید، کلیه قراردادهای ایران و آمریکا
را لغو کنید، سرمایه های آمریکائی را منجمد
کارگران و زحمتکشان معاذره کنید. زدن
شاعه های امیربالیست بدرسی خورد، آنرا
از ریشه درآورید. این کارگراگاه، در ادامه
سخنان به قانون اساسی اشاره کرد و گفت:
" آقای دکتر بهشتی نمیتواند برای ما قانون
تصویب کند، کسانی میتوانند برای ما قانون
بنویسند که از خود ما باشند. از جنوب شهر
باشد، از کوره پزخانه ها آمده باشند و دست -
های پینه بست! " به آقای بهشتی که معلوم
نیست زمانی که خون گرم جوانان ما سنگسار
خیا با آنها را گلگون میکرد در آلمان به چه کاری
مغلول بود، واگر با او دست بدهی فکر میکنی
که دستهایت را در پینه فرو کرده ای. آقای
دکتر بهشتی که خانه اش در شمال تهران قرار
دارد (خیابان ظفر) چه می فهمد که نفر آدم
در یک اتاق ۲۳۳ چگونه زندگی میکنند. آنوقت
ایشان یکی از نمایندگان مجلس خبرگانند و
به اصطلاح قانون تصویب میکنند! (قسمت
خارج از کوبه! خود گزارش نویسی است) .

کارگر با دانی در دنباله، سخنان گفت:
" دوستان! سوز زاری برای خود قانونی
دارد و آن اینکه هر کارگری که اعتراض کند،
باید سرکوب شود! ما کارگران هم قانونی
داریم و آن اینکه تا زمانی که سرمایه داری و
استثمار وجود دارد، مبارزه خواهیم کرد، ما تا بقدرت
رسیدن کارگران مبارزه را ادامه خواهیم داد."

کارگر دیگری پشت میکروفون رفت و از
معاون وزارت کارخواست که پشت تریبون
بیاید و در مورد حق بیمه بیکاری (و نه وام بی -
کاری) و دفترچه بیمه بیکاری با مراجع حساب
دهد. ضیا پشت میکروفون رفت و پس از مقداری
ظفر رفتن، گفت: "... ما هر کاری نتوانیم
برای شما انجام میدهم، مثلاً خانه کارگر را
حواسید، در اختیار شما گذاشتیم! " ما این
حرف کارگران همگی برآفتند و یکی از آنها
که داشت جمعیت آب میداد دریا زد که: " نه،
این دروغ است، دوستان کارگراها دهند که

ما از دیوار بالا رفتیم و در حالیکه پاساژها
می گفتند اگر ببالید بالا نلیک می کسبیم،
توجهی نکردیم و رفتیم بالا! " ضیا بحالست
قهر از پشت تریبون کنار رفت که مثلاً می -
خواهد برود. در این موقع یکی از نمایندگان
کارگران پشت میکروفون رفت و گفت: " نسا
برنامه تمام نشده، هیچکس حق ندارد اینجا را
ترک کند. معاون وزیر کار با زبرگشت و در
حالیکه مرتب به سگارش یک میزد داد می داد که:

بدهد! " پس از آن کارگروندان جوانی پشت
تریبون آمد و گفت: " ۹۰ ماده بودم که به علت
مفرد راجه آمریکا شای شروع به کلفتی کردم،
بعد از جدال کلفتی رفتم کارخانه، در این
کارخانه چون حاضر نشدم با یکی از مدیران بی -
شرف ارتباط داشته باشم، اخراج شدم، وقتی
اعتراض کردم گفت، از قبایع غوثم نمی -
آید. حالا ما به است که سیکارم. پدرم برادر
کوچک را بگذاردت درس بخواند، تا شاید خرجی
سازد. ما گفتیم اگر شاه برود و خمینی بیاید
بد، خوب می شود، اما وضع ما بدتر شد! " در
این موقع جمعیت شعار داد: " سرمایه دار مزدور
عامل مرگ ما است. کارگروندان، در پشت
میکروفون، دستهایت را بالای سرش در هم قفل
کرد و به آرا حاسات رفقا پیش پا سخ گفت.
بعد از صحبت چند نفر، کارگر دیگری آمد و گفت:
" پدرم در بیمارستان بستری بود، وقتی می -
خواستیم با رفتن بیرون، گفتند ۱۲۰ تومان
خرجش شده است. گفتند ما را. گفتند درازای
۱۲۰۰ تومان خون بده، من که چهاره ای بدلت
خون دادم. " وی سپس در حالت اشاره به ضیا
افا ف کرد: " اگر کسی یک کمی عبرت داشته باشد
و حرفهای ما را نشنود، آب میشود، اما این
اسبیدی، وزیر کار بیشتر جرات می شود. " در
این موقع قطعاً همه کارگران بیکار در حضور
ضیا خوانده شد. در این قطعاً آمده بود که
شماره ۵۸/۸/۲۱ جواب خواهی مای ماکه
شامل: ۱ - کار (و در صورت نبودن، حق بیمه
بیکاری)، ۲ - دفترچه بیمه درمانی، است داده
نشود، ما راه بیما شای خوا هم کرد و مسئولیت
هرگونه اتفاقی احتمالی ما دولت است.

در این روزهای همسنگی زیادی خواننده
شد، که برخی از آنها عبارتند از:
۱ - پیام همسنگی کارگران شاغل اکباتان.
۲ - پیام همسنگی کارگران استار لایت.
۳ - پیام همسنگی دانش آموزان دبیر -
ستان آزادگان شماره ۳ و دانش آموزان
دبیرستان ابوذر
۴ - پیام همسنگی کارگران بیکار فروریسن
(که در این روزها در فرمانداری
فروریسن اجتماع کرده بودند) ...
سعی از شعارهایی که داده شد بقرار
زیر است:



"حق کار"، "حق بیمه بیکاری" از حقوق مسلم کارگران است

اتحاد، علیه سرمایه‌دار
مرکز پرورارت سرمایه (وزارت کار)

اتحاد، تشکیلات، تسبیح سلاح ما است
قدرت زحمتکشان شناره علاج است
این برنا مه تا ساعت ۲ بعد از ظهر ادا م‌داشت.

گزارشی از مبارزات کارگران کشت و صنعت مغان

● افراد کمیته، جهاد سا زندگی، توده‌ای و ملاحای و مرجع بر علیه کارگران

نقل از ضمیمهٔ محلی پیکار کمیتهٔ آذربایجان شماره ۳

به این افراد پیشرو با زیاده‌بودند. آنها به فریب عوامل دولتی و کمیته‌چسبایی بسزیه بودند. جمع کارگران معادف بود با تحمیل دیپلمه‌های سبک‌روستن "مخبرات" و ورود اساندا و آذربایجان شرقی به منطقه. البته، آقای اساندا برای منحل کردن کشت و صنعت تشریف آورده بودند!

کارگران و کارمندان با بیسیم به شهر ک کشت و صنعت که آقای اساندا در آنجا - در یک اتاق در بسته - می‌خواست درباره هزاران نفر تصمیم بگیرد، حیرت‌انگیز که "ما ۴۰۰۰ نفر از کارکنان میخواستیم به اینجا بیاییم تا مسئله را در اینجا حل کنیم". اساندا رجوع ب داد که "نما بنده فرستید". کارگران قبول نکردند و جواب فرستادند که "به نماینده‌های اصل ما برچسب می‌زنید". اساندا تهدید کرد که "اگر نظرات کنید، نمی‌آیم" کارگران جواب دادند "نظرات می‌کنیم که هیچ، اگر شما نباید همگی میرویم شهران و جلوی وزارت کشا و رزی با هم ملاقات می‌کنیم". سپس کارگران همگی راه افتادند و در ظروف منظم - دستها پشان را سهیم حلقه زده - از کمیته قدیم که کارگاهها در آنجا است به طرف پارس آباد حرکت کردند. آنها در ضمن با دیپلمه‌های بیکارا اعلام همستگی کردند. دانش آموزان نیز با بیکاران و کارگران کشت و صنعت اعلام همستگی کردند. کارگران و کارکنان - متحداً - با زوبه بازی هم داده و با مشت‌های گره‌کرده شروع به دادن شام نمودند. "کشت و صنعت منحل الماسون" (کشت و صنعت نیا بد منحل شود) - با زارلاری با غیلون - اگر کشت و صنعت منحل اولار - باشوزا و ورون آغیلون" (با زار را بسندید - اگر کشت و صنعت منحل شود - به سران زینید و گریسه کنید) - چون وجود با زاریهای "پارس آباد" اکثر او ایسته به بقای کشت و صنعت است بدین جهت تمام دکاندارها مغازه‌های خود را بستند و با کارکنان این مجتمع ابراز همستگی کردند. "شاهلاری نختن سالان - مال لکلاری باندوران دیکتا شور ارفا جردان - کارگر دی کارگر دی (سنگون کشته‌ها ان - سوزاننده ریشه ما لکین - فراری دهنده دیکتا توره‌ها کارگراست کارگراست کارگر) (مرحله‌الدررون - هر بریشی دوزردن - اما

حدود ۱۵ روز قبل از اعتصاب، بعضی از کارمندان و کارکنان اداره آگاه شده بودند که میخواهند کشت و صنعت را منحل اعلام نمایند. بخشنا مه‌هایی که از طرف وزیر کشا و رزی و مدیر عامل کشت و صنعت، "آقای آثورپور" (اوبکی از افراد ادا رودسته "حزب‌نوده" میباشند و در هنگامی با کمیته‌های هابر علیه افراد پیشرو کشت و صنعت از هیچ کوششی معایفه نگردانست) ماردن شده بود. این امر را تا باید میکرد.

افراد پیشرو کشت و صنعت میدانستند که دولت ضد انقلابی درصداست تا شکل کارگری این منطقه را برهم بزند چون از حدود ۴۰۰۰ کارگر در این منطقه و حش دا رد. دولت با منحل کردن کشت و صنعت میخواهد شکل کارگری این منطقه را بر خورده مالکی تبدیل کند. ولی سا وجود این، بر اثر سبب‌هایی که از طرف عوامل دولت (کمیته‌چسبا - جهاد سا زندگیا - آثورپور توده‌ای و ملاحای و مرجع ...) بر علیه افراد پیشرو کشت و صنعت شده بود و آنها را ضد انقلابی و کار شکن جلوه داده بودند، این افراد پیشرو نمی‌توانستند خیرا لخال کشت و صنعت را بطور وسیع در اختیار کارگران و کارمندان بگذارند، تا اینکه یک روز قبل از اعتصاب جلسه‌ای از کارگران و کارمندان کشت و صنعت در مه‌ما سرا با حضور یکی از اعضای هیئت مدیره برگزار گردید (السته گفتنی است که به خواست کارکنان، این مه‌ما سرا با دست یکی از کارگران افتتاح شد). بخشنا مه‌های وزیر کشا و رزی و مدیر عامل خوانده شد و نیز جوابی را که هیئت مدیره و بعضی از مسئولان شرکت به مرکز نوشته بودند - که از عواقب کار می‌ترسیدند - نیز خوانده شد. در بخشنا مه وزیر کشا و رزی و مدیر عامل قیده شده بود که کشت و صنعت منحل اعلام شده و زمینها به تشریب زیر تقسیم خواهد شد:

برای هر کارگر، ۶ هکتار / برای هر سرکارمند، ۱۵ هکتار / و برای هر مهندس ۲۵ هکتار. کارگران سخت‌عصابی بودند. کارمندان نیز تا راحت بودند.

کارگران می‌گفتند "ما در این زمینها ترخواستیم کانت" و کارمندی می‌گفت من هم "ما ده‌وقانون دولت را خواهم کانت".

فردای آثورپور افراد پیشرو کشت و صنعت به کارگران خیر دادند که "در جلوی کارگاه جمع شوید، کار کشت و صنعت دا رد تمام میشود". کارگران بلافاصله در جلوی کارگاه کشت و صنعت جمع شدند. آنها دوباره اعتماد خود را

حقی سبیل - کارگر دی کارگر دی کارگر.
(کشنده مرتجعین، سازنده هر چیز، اما محروم از حق خود، کارگراست کارگراست کارگر.)

جمعیت که از ساعت ۹ صبح حرکت کرده بود تا ساعت ۴ بعد از ظهر بدون خوردن نه‌هار منتظر اساندا در وسط خیابان نشستند. عده‌ای بنظر خود بخودی ملوات می‌فرستادند که با اعتراض ما برین مواجه شد. معترفین می‌گفتند "برادر ملوات ما ما سا زگار نیست، جریه‌اش را کشیده‌ایم" (اشاره به تحریکات کمیته‌چی‌ها).

یکی از کارگران می‌گفت "فلا اگر چیزی می‌خواستیم باید روی تراکتورها سی می‌نشستم و آنقدر جا و بدشاه می‌زدیم تا اساندا فرمان بپاره‌شود. حالا مه‌ما بدیا ملوات نفرستیم و با دروید بر خمینی بگوئیم تا کسی لطف کند و به حرف‌های ما تا قاطعاً گوش دهد". مامورین اساندا رمی موضع سبخرمی داشتند و میگفتند "همین‌ها بی‌کام و بی‌فایده‌اند" - نسبت می‌گویند، همان گسائی بودند که مردم را به کوچ و بی‌زار کشتا نند و شاه را سرنگون کردند. از این به بعد هم حرف‌ها اینها خواهد بود. دیگر خود ما را توهین نمی‌اندازیم کارگران عده‌ای را ما مور کردند تا پیش اساندا برود و اطلاع دهند که "سرت سلامت، ما نظرات کرده‌ایم ولی خرابکار روحانی نیستیم و به کسی آسیبی هم نرسانده‌ایم و در جلوی اساندا رمی آرام. مثل یک کارگر نشسته‌ایم".

خلاصه ساعت ۲/۵ اساندا ریه مسدپارس - آبا د آمدجون روز تحلیل از با ساداران کشته شده در سر داشت بود. اساندا ر با ساداران را چندین بار فرستاد تا کارگران را قانع کنند به مسدپارس و در تحلیل با ساداران شرکت کنند کارگران قبول نکردند و بالاخره بحان آمدند و گفتند "آخر آقا با با سادار، شما که مرکز پیام نیستید که می‌روید، می‌آید". یکی از با ساداران قبول یکی از کارگران شروع به "رستمنا به خواندن" کرد که کارگران حمله ور شدند تا خلع سلاح کنند ولی اساندا ر مه‌مان - جگری کرده و با ساداران را متفرق کردند. بعد از مدتی معان اساندا ر آمد و بعد از سخنرانی که هم از انقلاب و ضد انقلاب میزد، گفت "اینجا بلتدگونیست که بنا با اساندا ر بتواند سخن رانی کند و ضمناً در مسجد هم مراسم تجلیل از با ساداران است و هم بلندگو، بهتر است به اینجا بیایید". یکی از کارگران در جواب گفت "آقا یک مغرور بیدار مینودتا دست‌آقای اساندا ر بدیم که سخنرانی بکنند. از آن گذشته چطور است که حرف‌های شما را بدون بلندگویی - شنویم ولی حرف‌آقای اساندا ر را نمیتوانیم بشنویم؟ اعلا میدانند! نظر شرع نیست

←

نان ، مسکن ، آزادی

دربایان یکی از نمایندگان کارگران میگفت: "وقتی آقایان صدای شمار شما را می شنیدند، بشتان مبلرزید. و آنچه که باعث شد اینها جلسه تشکیل بدهند و نمایندگان کارگران را در آن شرکت دهند، فقط اتحاد ما بود" یکی دیگر از کارگران گفت: "دوستان کارگر، اتحاد را فراموش نکنید، اگر آنها زیر قولشان بزنند ما باز هم با کمک یکدیگر آنها را مجبور می کنیم که ما را استخدام کنند".

مبارزات

کارگران پیمانی صنعت نفت

مسئله رسمی شدن کارگران پیمانی صنعت نفت همچنان لاینحل مانده است. مقامات مشول و هیئت های گوناگونی که از تهران و دیگر نقاط خوزستان به آبادان آمده اند، جز اینکه کارگران را دعوت به "صبر انقلابی" و کار بیشتر کنند هیچ گرهی از مشکل کارگران نگشوده اند. در طول ماههای گذشته کارگر - ان پیمانی ضمن تحصن و راهپیمایی و حتی اشغال دفتر مرکزی، خواستههای عادلانه خود را که عدد ترین آن همانا رسمی شدن بود مطرح ساختند. لیکن هنوز که هنوز است جوابی دریافت نکرده اند.

در تاریخ ۵۸/۸/۸ گروهی از کارگران پیمانی ضمن صدور اعلامیه ای وضع اسفناخ خود را شرح داده و اقداماتی را که از فردای قیام بعمل آورده اند، ذکر کرده اند. آنها در ابتدای اعلامیه خود خطاب به دیگر کارگران پیمانی پرسیده اند:

- ۱ - چرا مسئولان صنعت نفت موافقت - نامه ای را که با کارگران پیمانی بسته اند، اجرا نکرده اند؟
- ۲ - چرا حقوق روزهای پنجشنبه را به کارگران پیمانی (اداره ساختمان) پرداخت نمی کنند؟
- ۳ - پول بیمه که در مدت هفت ماه از کارگران پیمانی (اداره ساختمان) کسر شده، چرا بشرکت بیمه پرداخت نشده؟

کارگران پیمانی در اعلامیه خود ماهیت ضد کارگری رژیم را افشا کرده و در پایان بر لزوم اتحاد و یکپارچگی کارگران در مبارزات خود، تاکید کرده است.

آبادان،

اعتصاب کارگران پیمانی

کارگران پیمانی سخن ساختن صنعت نفت در آبادان از روز چهارشنبه ۸/۲ بعنوان اعتراض به قطع حقوق پنجشنبه ها و نیز عدم جرای موافقتنامه ای که در زمان "تازه" در پی یک اعتصاب چندین روزه، اکثر کارگران پیمانی آبادان ستهند، دست به اعتصاب زده اند.

حالی اینجاست که "معس فر" وزیر نفت دولت صد انقلابی در حالی موافقتنامه همیا - یکی اش "تازه" را با کارگران زمینکنش پیمانی بقیه در صفحه ۶

کلاسی به اطلاق شدید شده است. با منلاگرایش داده بودند که صد انقلابیون درختهای بادام را شکستند. در صورتیکه درکشت و صنعت اصلا درخت بادام وجود ندارد تا صد انقلابیون هم آنرا بشکنند.

مبارزات کارگران توکلی

ادامه دارد

(نقل از رسیده، محلی کمیته، آذربایجان)

کارگران توکلی موفق شدند، مدیریت دولتی را وا دارند و ادان درخواست آنها بکنند، ۴۰ ربال حق مسکن و ۳۰ ربال به دستمزد روزانه اضافه گردید. کارگران تهدید کرده بودند که در صورت عدم موفقیت شورا در گرفتن خواستهها از روز شنبه ۵۸/۸/۵ دست به اعتصاب خواهند زد. مبارزه کارگران برای احقاق خواستههای دیگرشان ادامه دارد.

مبارزه پیروزمند کارگران

پیکار قزوی

پس از اینکه کارگران سکار قزوین محل فرمانداری را بعنوان خانه موقت کارگران تصرف کردند. درخواستهایشان را مبنی بر استخدام کارگران سکار به اطلاع عابدی مدیر کل اداره کار و امور اجتماعی رسا - نندند، که وی در جواب میگوید در جلسه ای که روز شنبه به اتفاق فرماندار روسا بر اولسای شهر خواهیم داشت، نمایندگان میثوانند در آن شرکت کرده و جواب را به اطلاعشان برسانند.

روز شنبه حدود ۵۰۰ نفر سکار در خانه کارگر اجتماع میکنند که ابتدا شروع به افشاکاری در باره سیاستهای سرمایه داران و بعد به دادن شمار میبردارند پس از مدتی که از شروع جلسه مسئولین امور با نمایندگان کارگران میگردد. نمایندگان به میان کارگران آمده میگویند: "مسئولین میگویند ما فعلاً کارگر احتیاج نداریم و طرحهایی در دست است که ممکن است ۶ ماه دیگر عده ای کارگر بخوایم!!". کارگران دو ساره شروع به دادن شمار "اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد" میکنند تا جلسه به پایان میرسد.

روز بعد (یکشنبه ۱۳ آبان) کارگران دو- ساره در خانه کارگر اجتماع میکنند و نمایندگان خود را برای مذاکره میفرستند در جریان مذاکره سرمایه داران - بحامیان - شان با طرح استدلالهای مخرفه ای از قسمل اینکه دولت سربازها را معاف کرده و در نتیجه ما با مشکل سبکباری مواجه هستیم! و ... سعی در فریب نمایندگان کارگران میکنند که با مقاومت آنها روبرو میشود. در تمام طول مذاکره، صدای پر طنین "اتحاد، اتحاد کارگران اتحاد"، "بیمه سبکباری، پرداخت باید گردد" و ... بگوش میرسد.

سرانجام کارگران سبکار با مسارزه یکپارچه خود به پیروزی رسیدند و قرار شد کارخانه ها (به نسبت ظرفیت خود) همسه سبکاران را استخدام کنند.

نیست که ما به محدسیا بیم جون اکثر ما با کیزه نیستیم" و معاون بدون نتیجه برگشت. کارگران شروع به صحبت با همدیگر کردند که مگر با سدا را می که مرده اند چطور کسا می بوده اند؟ مثل همین با سدا را می بودند که الان ما هانا ن دعوا داشتیم اگر فرصت دستمان بیفتد همه ما را با خاطر آرنیعت با زیها پشان به گلوله می بندند تا به اصطلاح "ایمان خود را ثابت کنند. یکی از کارمندان صنعت "آخراش" غا زواران" را چه به شهادت (چند نفر از با سدا را ن دربارس - آبادغاری دزدیده بودند و در کنار رود ارس نونجان مگر دند که مردم فهمیده اند و امشان را گذاشته اند "غا زواران" سر وزن "با سدا را ن". بعد از رفتن معاون آتسای پیشنهاد آرمده از سبوتل کارگران "رجز خوانی" از کارگران خواست تا به محدسیا سند، کارگران در جواب گفتند "یک کلام باید استناد ریبا بد که بساید". بعد از رفتن پیشنهاد آتسای استان - دارا عده ای با سدا رفتنک بدست به جمع کار - کسان اعتمایی کشت و صنعت آمد. یکی از نمایندگان کارگران جلسه شد و شمار داد. درود سکاروگر، کشت و صنعت نیاید منحل شود" و اعتصابیون آتسای چندین بار تکرار کردند. استان شروع به سخنرانی کرد که "دولت از شامت و منحل شدن کشت و صنعت یک شایعه است که اخلاکگران و صد انقلابیون ساخته اند". کار - گران بلافاصله بخشا موزیر کشتا و زری و مدیر عامل را نشان داده و فریاد کشیدند "پس اگر سب اینظورات وزیر کشتا و زری و مدیر عامل ضد انقلابی هستند". استان را و ما ندو گفت "من با وزیر کاری ندارم و کسا می که ما من آمده - اند هم رندانی سیاسی کشیده ایم (خنده شدید اجتماعسیون، مگر ملای گویند صد ما ن آقای ناطق که ما شما آمده است زندانی سیاسی کشیده است؟".

خلاصه آقای استان در گفت "من از شما هستم و اینجا به تنها منحل نمی شود بلکه رسیدگی بیشتری هم به اینجا خواهد شد". در همین حین چشم کارگران به "عمی قزایی" یکی از زمین داران و سرما به داران منسبان افتاد که در خواست کرده بود کشت و صنعت را منحل کنند و چند صد هکتار را بدهند. کارگران بقیه - اش را گرفتند و گفتند "زمن کشت و صنعت را برای شما سرما به داران گورستان میکنیم". افراد دیگری که طی نامه خواستار انحلال کشت و صنعت و زمین شده اند، عبا رفتند از: درختان، حاجی عسکر رفیعی، احد کسا می و عده ای دیگر. تمام کارگران و کارمندان با شمار "درود سب کارگرو مورک بر سر ما به دار" برانگنده شدند.



چنانکه از حرفهای استان در برمی آمد، بررگترین گزارش از به اصطلاح صد انقلابیون از جها دما زندگی (با بقول افراد بیشتر کشت و صنعت، ما او کسبای ریشو) بوده است.

مثلا آنها گزارش داده بودند که صد انقلابیون به درختهای گلایی عمد آت ن داده و آنها را خشکا نده اند. در صورتیکه در منطقه درختهای گلایی، کما ل شرک برداشته و آب زیر درختهای



اخباری از:

جنبش دانش آموزی

گشته بود با حمله فالانزها روبرو شد. در مقابله با این حمله مرتجعانه دانش-آموزان دختر مدرسه فردوسی آبادان نیز به دانش‌آموزان تظاهر کننده، ملحق شدند، و علی‌رغم فشار مرتجعین بر اهلبیمایی پرداختند. آنان شعار میدادند:

شورای بی محتوا، حامی سرمایه دار
محمل پیروز امت، ارتجاع نابود است،
معلم، راه صد راه تو - مرگ بر این
سیستم آموزشی

خرمشهر

■ دانش‌آموزان دبیرستان دخترانه "آلابیوت" به تفتیش هرروزه دانش‌آموزان در دبیرستان اعتراض نموده و دست به تخریب - مندا نه ای زدند. آنان با اتحاد خود پیروز شدند. و تخریب را خاتمه دادند.
■ هنرجویان صنعتی خرمشهر با اعلام همبستگی با هنرجویان سراسر کشور در جهـست خواسته های صنفی و سیاسی خویش دست به تخریب زدند. آنان از جمله خواستار آزادی بیان و عقیده در محیط هنرستان، ایجاد شورای واقعی و ایجاد امکانات رفاهی و آموزشی برای هنر جوان شدند. تخریب آنان سلطت پذیرفته نشدن تمامی خواسته‌هایشان از جانب مسئولین، ادامه دارد.

شیراز

بزرگداشت ۱۳ آبان ۵۸/۸/۱۳
هنگام با دانش‌آموزان سراسر کشور در شیراز نیز تظاهراتی از سوی دانش‌آموزان هـولدارا زمان بیکار و ترسید داده شد. در این تظاهرات گروه دانش‌آموزی راه صد سیز شرکت داشتند. دانش‌آموزان در ساعت ۹ صبح در فلکه شهدا (شهرداری سابق) اجتماع کردند و یکی از دانش‌آموزان مقاله‌ای خواند. در این مقاله اشاره ای کوتاه به جنبش و قیام، دولت و ما هبش شده بود. راهبیمایی از مسئولان شهدا شروع شد. در مسیره راهبیمایی شعارهایی مانند: فعالیت سیاسی حق معلم ماست، فرهنگ استعماری نابودیا بدگردد، سیستم آموزشی تمویض یا بدگردد، داده میشد. عده ای مرتجع با شعار مرگ بر کمونیست و حزب فقط حزب الله گوشیدند تظاهرات و راهبیمایی را بهم بزنند که با هتباری راهبیماییان خنثی گردید.

پس از یک ساعت راهبیمایی قطعنا مه ۹ ماده ای از طرف دانش‌آموزان خوانده شد. مواد قطعنا مه از این قرار است:
۱ - لغو شهریه و رایگان و اجباری نمسودن تحصیل در تمام مراحل برای دانش‌آموزان.
۲ - پرداخت کمک هزینه تحصیلی.
۳ - ایجاد دثورا های واقعی از زمانه بندگان دانش‌آموزان با داشتن قدرت اجرایی و عملی کامل و کنترل کلیه امور مدرسه بدست خود دانش‌آموزان.
بقیه در صفحه ۱۹

تهران

روزیکشنبه ۱۳ آبان، بنا بدعوت "کانون دانش‌آموزان مبارز، طرفدار آزادی طبقه کارگر" مراسمی در زمین چمن دانشگاه پلی - تکنیک برگزار شد. در ابتدای برنامه پیام دانش‌آموزان مبارز تهران خوانده شد و پس از آن سرودی دسته جمعی توسط دانش‌آموزان اجرا گردید. سپس پیام "ما زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر" مناسبت این روز قرائت گردید و آنگاه مثنی درباره "کردستان خوانده شد. در این روز بیامهای زیادی و اهل شبکه مذکور نام برخی از آنها اکتفا می کنیم.
۱ - پیام دانشجویان مبارز

کامیاران

روزشنبه ۵۸/۸/۱۳ تظاهراتی از طرف دانش‌آموزان مبارز کامیاران به پشتیبانی از بهبشمرگان ما زمان انقلابی زحمتکشان کردستان و مبارزات خلق کرد و دیگر خلقهای ایران برپا شد که در آن مردم کامیاران و روستاهای اطراف شرکت داشتند (شعداد نظر هر کنندگان نزدیک شده هزار نفر بود).
شعارهایی که در تظاهرات داده میشد

مبارزات دانش‌آموزان در خوزستان

امواج جنبش دانش‌آموزی روز بروز در حال جوش و گسترش است. دانش‌آموزان مبارز خوزستان نیز در روز دانش‌آموز شعارهای خویش را در همبستگی با خلق قهرمان کرد و در حمایت از مبارزات زحمتکشان و بیان خواستههای خویش دستا به بخشی از خلق فریاد زدند. در زیر، گوشه هایی از این امواج خروشان را منمکن میکنیم:-

اهواز

■ صبح ۱۳ آبان تظاهرات پرشکوهی از جانب دانش‌آموزان دختر چند دبیرستان اهواز (هنر - ستان بازرگان، محبوبه متحدین، پروین - اعتمادی و...) به دعوت دانش‌آموزان دبیرستان محبوبه متحدین، برگزار شد. در این راهبیمایی دانش‌آموزان به دستگیری ۸ نفر از دانش‌آموزان محبوبه متحدین، اعتراض کردند. آنان همچنین خواستار آزادی فعالیت سیاسی در مدارس، تشکیل شوراهای واقعی دانش‌آموزان، اخراج مدیران استعماری و جایگزین نمودن مدیران انتخابی گشتند.

۲ - کانون مستقل معلمان
۳ - دانش‌آموزان پیشگام کردستان
۴ - دیپلمه های بیکار تهران
و

همچنین در حین تظاهرات شعارهایی توسط جمعیت داده میشد که عبارتند از:
اتحاد، اتحاد، علیه امپریالیسم
محمل می رزمه، ارتجاع می لرزد
هر سینه تحصیلی سراسر زحمتکشان پرداخت باید گردد
.... درود بر کارگر
.... درود بر بهبشمرگان
کارسرای کارگر زمین برای بزرگ
مرگ بر این فرهنگ استعماری
پیروزیا بدعلم ره رهایی

بدین ترتیب بود:
بژی هیزی کومله زحمت کشی له کله
خلق کرده میرزم ارتجاع می لرزد
سرمایه دار خرمن مژه ظالمه فقیر کوزه و...
وسروهای پشتکوشی و قیب و ای رفیقان
در تاریخ ۵۸/۸/۸ بدینال حکم شمسید چندتن از معلمین مبارز کامیاران تعداد ۶ نفر از محکمین دختر و بزرگامیاران دست به تخریب زدند و خواستار لغو حکم ماده شدند که سعادتموفقیبت در روز ۸/۱۱ به تخریب خود پایان دادند.

■ در روز ۵۸/۸/۵ در دبیرستان همدان دانش‌آموزان به علت اعتراض به عوض شدن مدیر دبیرستان و خواست فعالیت سیاسی آزادانه برای تمام دانش‌آموزان، سه کلاس تخریف شدند. آنان قطعنا مه ای مادر نموده و خواسته های خود را اعلام نمودند.

آبادان

■ در روز ۱۳ آبان، تظاهرات چندین هزار نفره ای با شرکت دانش‌آموزان مبارز دبیرستانهای مختلف آبادان برگزار شد. این تظاهرات با شکوه با حمله فالانزها روبرو شد که سعی در پراکنده نمودن آن داشتند. اما دانش‌آموزان قهرمانانه به مقاومت پرداختند که عده زیادی از آنان نیز زخمی شدند.
دانش‌آموزان شعار میدادند:
- فعالیت سیاسی آزاد یا بدگردد،
- حمله به دانش‌آموز توطئه ارتجاع،
- کردستان سگر زحمتکشان،
- مرگ بر این سیستم آموزشی.

■ در روز ۱۳ آبان تظاهراتی با شرکت بیش از هزار نفر از دانش‌آموزان آبادانی بپا شد. تظاهرات که از دبیرستان سپهر آغاز

اخباری از: کردستان قهرمان

۶ روز در مهاباد قهرمان

آنچه که در زیر میخوانید قسمتی است از اعلامیه بلندی که با عنوان "درد بر خلق دلاور کرد" که حوزه سندج سا زمان ماب تاریخ ۵۸/۸/۴ در سطح کردستان منتشر نموده است:

جهازشنبه ۵۸/۷/۲۵: یک گردان از نیروهای کلاهی سبزو سوار بر مینی بوس و اتوبوس در حالیکه بتوسط تانکها اسکورت میشدند بعد از ظهر از ارومیه وارد مهاباد شده و سرعت روانه پادگان گشتند.

پنجشنبه ۵۸/۷/۲۶: از صبح زود معلوم شده است که ارتش و پاسداران تمامی راههای اصلی و فرعی را بسته و مانع از ورود و خروج میشوند و با اینکار خود تصمیم دارند برنامه خانگردی وسیعی را براه انداخته و بستگی و وسیع جوانان مارز و انقلابی مهاباد را از وجود عناصر باصلاح ضد انقلاب پاک نمایند. حدود ساعت ۳ بعد از ظهر برنامه پاکسازی شروع شده و نیروهای کلاهی سبزو و ارتش و پاسداران اشغال حیوانات و کوجه های اطراف پادگان را آغاز می کنند، جوانان مارز و انقلابی شهر را سلاحهایی که در دسترس داشتند (تارنچک و سلاحهای سبک) مقابل شتافته و درگیرهای سختی در میگیرند که تا نزدیک نیمه شب ادامه داشته و سرانجام نیروهای مهاجم با دادن تلفاتی به پادگان عقب نشینی میکنند، تعدادی سلاح و مقداری مهمات بدست انقلابیون می افتد.

جمعه ۵۸/۷/۲۷: شهر از آرامش نسبی برخوردار است. شب هنگام پیشمرگه های قهرمان دشمن را غافلگیر نموده و ضرباتی وارد ساخته و یک جیب زانندارم را با تاش میکنند. شنبه ۵۸/۷/۲۸: از ساعت ۲ بعد از ظهر، دشمن با تانک و زره پیش در صدد اشغال مجدد شهر برمی آید. در همان لحظاتی اولیه پیشمرگه های قهرمان با سلاح (آر. پی. جی) پنج تانک را منفجر نموده و نبرد های کوجه به کوجه را آغاز می کنند. مردم شهر در این روز با کتکهای بیدریغ خود همستگی و پیوند عمیق خویش را با مبارزین انقلابی به اسکال گوناگون بنمایش می گذارند. با پشتیبانی وسیع توده های مردم، دشمن بار دیگر به پادگان عقب نشینی می نماید.

یکشنبه ۵۸/۷/۲۹: اوضاع شهر نسبتاً آرام است، هیچ ارتشی، پاسدار و کلاهی سبزی در شهر دیده نمیشود. هنگام غروب پیشمرگه ها با سلاحهای گوناگون یکی از مواضع ارتش که

در اطراف شهر بر روی تپه ای قرار دارد حمله نموده و تانکها را مجبور به عقب نشینی می نمایند. امروز هر کسی که سلاحی در زیرر خاک پنهان کرده بود اسلحه بدوش گرفتار است و پیشمرگه ها آزادانه در شهر رفت و آمد می نمایند.

دوشنبه ۵۸/۷/۳۰: شهر کلاً در دست مردم و پیشمرگه ها است. پاسداران در خانه جوانان نزدیک پادگان موضع گرفته و مردم بی گناه را که از آن حوالی عبور می کنند غافلگیرانه بگلوله می بندند. این چند روز از مردم ۴ یا ۵ نفر شهید شده و ۱۳ الی ۱۴ نفر زخمی گشته اند، از نیروهای دشمن عده زیادی کشته و زخمی شده اند که از تعداد دقیق آنها اطلاعی در دست نیست.

اعتراض مردم سندج به نحوه فرمایشی مذاکرات هیئت اعزامی

بدینال اعلام جهاد علیه خلق کرد از طرف قدرت حاکم، وهجوم و شتابانه ارتش ضد خلقی و پاسداران فریب خورده و مزدور به کردستان و اعدام بسیاری از زندگان در شهرهای مختلف کردستان، خلق کرد دوش بدوش پیشمرگان قهرمان خود در شهر و کوجه دست به ساز و مقاومت زد. این ساز و کار تا آنجا تکامل یافت که اکنون از جنبه تدافعی در آمده و شکل تعرضی بخود گرفته است بطوریکه مرتجعین را از خیال خام سرکوب جنس حق طلسمه، خلق کرد از طریق نظامی منصرف کرده اند و آنان را وادار به جراه اندیشی نموده است. دولت ضد انقلابی اینها را توطئه دگرگیری در سردار دوجا ره را در مذاکره می بیند. دولت ارتجاعی می خواهد مذاکره سمون را سلاحی برنده تر از هجوم نظامی استفاده کند. زیرا او خوب می داند تا زمانی که خلق کرد در سنگر است و مسلحانه می جنگد، امکان تفرقه در بین آنان نیست به همین منظور یکباره صدهشتاد درجه چرخش نموده و سه مکر مذاکره افتاده است. (با بدبرسید اگر دولت توطئه در سردار مذاکره برای چیست؟ مگر نه اینست که خواسته خلق کرد در یک قطعه ۸ ماده ای قبلاً به اطلاع دولت رسیده است)، در نتیجه هیئت را بنام حسن نیت که در واقع سوء نیت دارند روانه کردستان نمود و اما دگی خود را جهت مذاکره اعلام نموده است.

دولت می خواهد در این مذاکره از سیاست "تفرقه انداز و حکومت کن" استفاده نموده و با دادن بازه ای امتیازات به عده ای سازشکار و مرتجع در صفوف خلق کرد تفرقه ایجاد نماید و از این نیروهای سازشکار سمون چمانی علیه نیروهای مترقی استفاده کند. دولت میخواهد با مرتجعین محلی به مذاکره بنشیند و سپس از بلندگوهای ارتجاعی خود چنین وانمود کند که

با نمایندگان خلق کرد مذاکره نموده است. برای نمونه، در تاریخ ۱۳ آبان که هیئت دولتی وارد سندج شدند، از چند تن از مرتجعین از جمله "مجتهدی" خواسته بودند که با انسان مذاکره کنند. مجتهدی راهمه مردم کردستان از کوچک و بزرگ خوبی می شناسد. او کسی است که در دوران رژیم منغور بیلهوی تمام روزهای جمعه در سندج مع سندج برای سلامتی "تا هشتا هوشیا شو" دعا می خواند و تا مدتی بعد از انقلاب تا مبرده جرات بیرون آمدن از منزل خود را نداشت. اکنون سید نیست که این رژیم نیز مجتهدی را نماینده خلق کردینا صد زیرا منافعی چنین اقتضا میکند.

اما خلق کرد بیدار است. مردم مسازر سندج به محض اطلاع از جریان جلومسجد والسی که مجتهدی در آنجا منتظر هیئت دولتی بود جمع کرده و شعار می دادند: رهبر ما در سنگر است، مذاکره تحریم است. مذاکره با مفتی (مجتهدی) توهین به خلق کرد است، مرک بسو جاشکان، جاشد کوردی و فرونهکان، سپس مردم دسته دسته در خیابان راه افتادند و علیه هیئت دولتی و جاشهای محلی شعار دادند. آنگاه مردم در جلوساننداری تجمع کرده و قطعنامه ای را در چند ماده خواندند و اعلام کردند فردا جهت اعتراض به نحوه مذاکره، مردم در میدان آزادی جمع شوند.

در تاریخ ۱۴ آبان بیش از (۵۰۰۰۰) نفر از مردم مسازر سندج در یک راهپیمایی و تظاهرات عظیم شرکت کردند. تظاهراتندگان خواهشهای خود را در پلاکاردهای منمکن نموده و مرتجعین را می دادند. باره ای از شعارها چنین است: رهبر ما در سنگر است، مذاکره بی شرمت / مذاکرات پنهانی با احزاب سازشکار، افتاء باید کرد / ارتش ضد خلقی، پاسداران ارتجاعی ما بود با بدگرود / مذاکره با مفتی توهین به خلق کرد است، قطعنامه مهاباد، خواسته خلق کرد است / خبرگان، خبرگان، حامی ستمگران / بازرگان، بازرگان دشمن زحمتکشان / خلق کرد بیدار است، از تفرقه سبزار است / هیئت حسن نیت توطئه دولت است / مذاکره پنهانی یک حبله جدید است / دولت ارتجاعی حسن نیت ندارد، توطئه ارتجاع دیگوار شردارد / نمازش نه تسلیم، تا بیروزی سها بی جنش ادا مده دارد.

تظاهراتندگان هنگام عبور از خیابانها در چندین محل نقل باران و سکه باران شدند. هنگامیکه تظاهراتندگان از جلو یک دبستان دخترانه عبور میکردند، دانش آموزان خود را از جلو پنجره مدرسه شعار می دادند: رهبری راسته قینه، فقط شیخ عزالدین (رهبر واقعی فقط شیخ عزالدین است). در پایان تظاهرات کنندگان در چهار راه شهدا قطعنامه خود را خواندند. باره ای از مواد موجود در قطعنامه عبارتند از:

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلق هاست

بقیه از صفحه ۴ بیانشه، سازمان ...

آمریکا متصل شده است و منشا اصلی تمام بحران های اقتصادی - اجتماعی جامعه و رنج و ستم دیرینه اقتصادی و سیاسی برتوده های زحمتکش ماست. و این آن چیزی است که هیئت حاکمه کنونی علیرغم هاپهوی فراوان و تبلیغات فریبکارانه، از پاسخگویی به آنها عاجز است و تاکنون با توجه به تمام اعمال و کردار خود به توده ها نشان داده است که در برابر تحقق این خواست توده ها با تمام قوا قد برمی افرازد.

● کمونیستها باید با شرکت فعال در مبارزات ضد امپریالیستی توده ها که هم اکنون در کوجه ها و خیابانها جاری است و هر روز اوج بیشتری میگیرد و با بردن شعارهای واقعی ضد امپریالیستی به میان آنها، نشان دهند که پیگیرترین نیروی ضد امپریالیستی هستند.

کمونیست ها که تاکنون با سیاست های افشاگرانه خود حقانیت سیاسی و تاریخی خویش را نشان داده اند، اکنون نیز نباید یک لحظه در افشای این واقعات و ماهیت هیئت حاکمه تردیدی بخود راه دهند. آنها باید با شرکت فعال در مبارزات ضد امپریالیستی توده ها که هم اکنون در کوجه ها و خیابانها جاری است و هر روز اوج بیشتری میگیرد و با بردن شعارهای واقعی ضد امپریالیستی به میان آنها، نشان دهند که پیگیرترین نیروی ضد امپریالیست هستند.

آنها باید در متن همین شرکت فعال نشان دهند که انحصار طلبان جنگ - افروز دیروز که دستشان تا مرفق به خون خلق کرد آلوده است، سناکزیروینا بر ما هست طبعاتی خود نمیتوانند خواست های ضد امپریالیستی آنها را برآورده سازند و میگویند تا این مبارزه را وشقه با زبانی اقتدار افول نیاورند، خویش قرار دهند.

آنها باید در متن همین شرکت فعال نشان دهند که نیروهای لیبرالیسم همچون جمهوری خلق مسلمان به زعامت شریعتمداری، جیهه ملی و ... کسسه هم اکنون مزورانه لباس "ضد امپریالیستی" برتن کرده اند و در میانها و روزنامه های پرطمطراق خود اندر ضرورت مبارزات بر علیه امپریالیسم قلم فرمائی مینمایند، در پی مهار زدن به مبارزات اوج نیاورده، توده ها بر علیه امپریالیسم آمریکا و هیئت حاکمه هستند. آنها باید نشان دهند که چگونه رویزیونیستهای وابسته به سوسیال امپریالیسم حزب توده میگویند تا بر تمام عملکردها و سیاست های ضد انقلابی هیئت حاکمه و جناح قدرتمند کنونی آن پرده اندازند و با شرکت در "جشن ضد امپریالیستی" هیئت حاکمه، نان شیرینی ای برای خود دست و پا کنند.

آنها باید نشان دهند که چگونه رویزیونیستهای منفور "سه جانی" به اعتبار سیاست های رویزیونیستی و ضد انقلابی شان، از اوچگیری مبارزات توده امپریالیستی توده ها بر علیه امپریالیسم آمریکا، افسرده خاطر شده اند و بدین ترسب پرده از چهره کشف ثشوریهای ضد انقلابی آنها که بر اساس آن حاضرند بخاطر "مبارزه" با سوسیال امپریالیسم به پای اتحاد با امپریالیسم خونخوار آمریکا بروند، بردارند.

و سرانجام آنها باید در متن همین شرکت فعال به دموکراتهای ناپیگیر نشان دهند که نباید محور چند اقدام ضد آمریکا ای این بخش از هیئت حاکمه شده و با فراموش کردن گذشته، مراسم تنگین اینان به وعده های شیرین و دهان پرکن آنها دل خوش کنند و بیش از پیش در محاق توهم و خوشبختی فرو روند.

آری اکنون وظایف خطیرتری در پیش روی کمونیست ها است.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران
برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۱۳۵۸/۸/۲۵

بقیه از صفحه ۱۷

جنبش دانش آموزی ...

۴ - برگرداندن منشان و دانش آموزان مبارز و انقلابی که اخراج شده اند و اعاده حیثیت آنها.

۵ - آزادی فعالیت های سیاسی در مدارس.

۶ - اخراج هر چه زودتر احراری رئیس کل آموزش و پرورش فارس.

۷ - تمویح محتوای کتابهای درسی که بر اساس نیازهای امپریالیستی و با فرهنگ استعماری تدوین شده.

۸ - اخراج عنا مرسا و کی و ارتجاعی که خوش خدمتی خود را به رژیم سابق نشان داده اند.

۹ - با بیان دادن به کشتار ربه رحمانه خلقهای تحت ستم بخصوص خلق کرد و پیشینیا نسی کامل از خواستهای برحق و مبارزات پیگیر و فخرمانانه، دانش آموزان کردستان.

بعد از خواندن قطعنامه دانش آموزان به راهپیمائی خود ادامه دادند. اما فالانتهای انحصار طلب با چوب و سنگ نظا هر کسندگسان را محدوداً مورد حمله قرار داده چند نفر را کشت زدن و یک نفر را زخمی نمودند. سپس دانش آموزان متفرق شدند.

هدف از گذاشتن راهپیمائی، گواهی داشت خاطر شهدای ۱۳ آبان، مطرح کردن خواستهای ضعیف سیاسی، ایجاد حرکت و جنبش دانش آموزی، سیوندن مبارزات زحمت کشان، تشکیل و اتحاد سپروهای مبارز و انقلابی و همگام بودن با مبارزات مردم و دانش آموزان در برابر شهرها بود. این مبارزات مسوزان نخواهند در مسائل در بسته دانشگاه جمع شوند و ضامن دهند بلکه می خواهند در خیابان ندای حق طلبانه خود را بگوش مردم برسانند و با این حرکت به جنبش دانش آموزی امشلا بختند. آنها به خواستهای آنها تمدن تا به مبارزات دانش آموزان سمت و سوی توده ای بدهند و راه را برای مبارزات و راهپیمائی های بسدی هموار سازند ■

تسمیدشدگان و مخالفه خلخالی و جانهای محلی در یک دادگاه خلقی.

۳ - پیشینیا نسی از متن پیشینیا دی شیخ عزالدین حسینی و اعاده حیثیت سیاسی از رهبر ملی و مذهبی کردستان حضرت شیخ عزالدین حسینی و افشای تمامی جعلیات و اتهامات واهی نسبت به این شخصیت مبارز کرد در برابر تمامی خلقهای ایران از طریق رسانه های گروهی.

۴ - هیئت اعزامی باید فقط با نمایندگان گروههای سیاسی کردستان مذاکره کنند و هر نوع مذاکره یکجانبه و پنهانی از جانب خلق کرد محکوم است.

۵ - خلق کرد خواستار انحلال مجلس فرما بوسی خسرگان و تشکیل مجلس موسسان واقعی تا مل نمایندگان کارگران، دهقانان و سایر اقشار خلقی است.

۶ - آزادی فعالیت احزاب، سازمانها و گروهها و آزادی انتشار روزنامه های مترقی و پیشرو. ■

اخبار کردستان ...

۱ - قطعنامه هشت ماده ای میاد است...
۲ - اخراج پاسداران، آزادی زندانیان سیاسی بدون قید و شرط، بازگشت کلیه



جنبش کارگری

محاكمه نماينده بورژوازی در خانه کارگر

کار و دفترچه بیمه درمانی
خواست اصلی کارگران بود .

سعدا زاینده کارگران بیروزمندان خانه کارگر را تصرف کردند، اعلام نمودند که روز دوشنبه ۵۸/۸/۱۲ در خانه کارگر اجتماع خواهند کرد و چنانچه نماینده ای از طرف دولت برای پاسخگویی به خواسته‌ها نشان حاضر نشود، سوی وزارت کار نظارت‌ها را خواهند نمود .

وا امروز دوشنبه بود . " ضیا " - ممانون وزارت کار استوان نماینده دولت در اجتماع عدها نفری کارگران در خانه کارگر حاضر شده بود . ساعت ۹ پرنه ما با زماندهی خوبی شروع شد . هرکس می خواست صحبت کند ، قبلا با بد اسم می نوشت و نوشت می گرفت . کارگران زیادی صحبت کردند و هر یک با طرح مشکلاتشان سعی نماینده بورژوازی راه محاکمه کشیدند . ضیا در مقابل مطرح شدن خواسته‌های کارگران مرتباً زبونا نه می گفت چنم ، چنم . ما در اینجا صحبت‌های چند نفر از کارگران را به اختصار ذکر می کنیم :

کارگری پشت میکروفن رفت و گفت :
" در راه بیماری از وزارت کار به نخست وزیر مراد سنگیر کرد ، ۳ روز در کمیته مرکزی و ۱۸ روز در زندان اوین بودم ، در موقع آزادی از من تمهید گرفتند که دیگر گرسنگی ام اعتراض نکم ، دیگر در نظارت شرکت نکم . ولی من فقط تمهید دادم که دیگر مقابل نخست وزیر نیروم . کارگر دیگری پشت تریبون رفت و گفت : " ما ۲۴ ساعت دست و پای یکنفر را منهدمیدیم نمیتواند گرسه بماند ، می بامی گوئید میر کبید ، آخر تا کی ؟ من از همه میخواهم که از ما پشتیبانی کنند تا بتوانیم خواسته‌ها ما برسم ."

قابل ذکر است که کارگران بهنگام سخن رانی اغلب معان و وزیر کار را مورد خطاب قرار می دادند و او هم جز تا شنید و گفتن چیزی نمی توانست بگوید . یکی از کماتیکه صحبت کرد ، کارگری از آبا دان بود ، وی گفت : " سلام مادقانه سر کارگر همه شما ، به کارگران خوزستان به رزمندگان دلیر کردستان و همه هم خلقهای دیگر ایران . حتماً تا کنون ما هیت غیره اند آمریکا ای آقای بازرگان برا - بتان روشن شده است . استان کسی است که می رود با سرزنسکی مذاکره می کند ، آقای بازرگان ادعای ۴۰ سال مارزه میکند ، ولی سبتر است بکوشم ۴۰ سال سازش . اگر می خواهید استان و دولتش را سبتر سنا سید ، بکما ر دیگر نه لایحه " رسیدگی به مراد ضیا انقلاب " مراجعه بقیه در صفحه ۱۴

● سه اعتصاب در یک ماه (اعتصاب ،
مدرسه کارگران است)

● کارگران از خروج کالاهای تولید شده ، از انبار جلوگیری میکنند .

سر استفاده از احساسات مذهبی کارگران بی - فایده بود و کارگران بخوبی ما هیت نماینده صنایع و معادن ... را شناختند و حرف هیچ مقامی را برای نکستن اعتصاب گوش نمی کردند . فرغای می این نماینده دولت ضد کارگری هم ضد با در مقابل خواسته‌های کارگران استادگی میکرد و بر سر مسئله " دادن حق اعطاف به شورا " بین یکی از نمایندگان کارگران و نماینده فرغای می خاش درگیری لفظی بوجود می آمد که فرغای می حیل گریه اصلاح فهر کرده و از کارخانه می رود و همجنس با برمدبران هم از کارخانه فراری کشند و فعلا به کارخانه نمی آیند ، گویا ۲۰۰ میلیون تومان دزدی کرده اند . وزارت صنایع می گوید در حورشی فرغای می به کارخانه می آید که شورا حق امضا نداشته ما شد ولی کارگران شدت روی خواست حق طلبانه خود با فشاری کرده و تسلیم وزارت صنایع و معادن که حافظ منافع کارگران است نمی شوند .

با اواخر سعدا زور روز که به خواست کار - گران توجهی نمی شود یکی از نمایندگان مبارز از کارگران می خواهد که سر کار بروند و به تولید ادامه دهند ولی جلوی خارچ شدن تولید را بگیرند و انبار کنند . هنوز هم وزارت صنایع به خواسته‌های برحق کارگران هیچ جوابی نداده و کارگران مبارز هم تولید را انبار کرده و نمی گذارند از کارخانه خارچ شود . زمزمه هاشی هم هست که احتمالاً از تاخیر ۲۱ آبان حقوق کارگران قطع خواهد شد و کار - گران هم تصمیم دارند محمولات تولید شده را در جلوی کارخانه بفروش بیاورند .

لازم به تذکر است که در اثر اوجگیری مبارزات کارگران و فشار ریش ا ز حدی که به آنها وارد میشود حدود ۲ روز قبل شورای مابش - کار سابق را منحل کرده و مجدداً نمایندگان خود را انتخاب کردند (که از ۱۱ نفر نماینده ۹ نفرشان از کارگران ساز زهتند) . تا بتوانند به خواسته‌های برحق خود ما عمل بپوشند .

* تا بود ما دوتوطه های سرمایه داران خونخوار
* برقرار ما دا تا خود هم سنگی کارگران "

اعتصاب در کارخانه ارج

هفته اول آبان ماه در کارخانه ارج به خاطر نپرداختن سود ویژه به کارگران اعتصاب شد و این اعتصاب ۲ روز بطول انجامید و یکی از خواسته‌های کارگران دادن حق اعطاف به شورا برای فروش و خواست دیگر کارگران پرداخت سود ویژه بود . از عهد ۵۸ فقط ۲۰۰۰ تومان سود بمعاون علی الحساب به کارگران پرداخت شده است که متعلق به سه ماهه اول سال بود و اکنون ۲ ماه از پرداخت این سود گذشته و هنوز سود ۳ ماهه دوم پرداخت نشده است . همه کارگران بیاد دارند که فاطمی زاده (مدیر سابق) مرتباً وعده می داد که امسال سود کارخانه به حساب خود کارگران (!) می رود و کارخانه مال خود کارگران است بعد هم همین مزدور عد کارگرا به عیب زدن میلبونها تومان از دسترنج کارگران به آمریکا فرار کرد و به ارباب خود ، مهندس ارجمند ، بیوست ولی نصیب کار - گران از این در آمد عظیم کارخانه فقط ۲۰۰۰ تومان بود . ولی وقتی کارگران فهمیدند که کلاه بزرگی برشان رفته است به وزارت صنایع و معادن رفته ، از آنها می خواهند که نماینده ای برای اداره کارخانه بفرستند ، آنها هم شخصی بنام فرغای می را بعنوان نماینده می - فرستند . کارگران فکری کردند سلا آوردن نماینده صنایع و معادن جلوی غارتگریها و دزدیهای کلان گرفته خواهند شد ولی فرغای می این نماینده سرمایه داران از همان روزهای اول در جهت منافع کارفرمای زالو صفت قدم برمی داشت و در مقابل خواسته‌های کارگران می ایستاد . وضع کارگران از سابق هم بدتر شد و هیچکدام از خواسته‌های حق طلبانه آبان تا من نند ، به همین خاطر در دوره فرغای می بکار در شهر بیورما بعد یک روز کارگران اعتصاب کردند ولی نماینده داستانی تهران با حیل گری تمام به فریب کارگران پرداخت و گفت در این شرایط هرکس اعتصاب کند مثل این است که گلوی امام را فترده است و به این ترتیب اعتصاب برحق کارگران را شکست ولی از آنجا که فریبکاری و حیل گری محکوم به شکست است و بتدریج کارگران به حقوق خویش آگاه میشوند ، کارگران بکما ر دیگر با اعتصاب محدود در اوائل آبان ماه نقشه های سرمایه - داران فریبکار را خشی نمودند و این بار دیگر

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر